



دو سال پس از ۱۷ اکتبر چگونه مسیر تاریخ تغییر کرد؟

جهان در لحظه فلسطین

ارزیابی راهبرد ایران پس از ۱۷ اکتبر
در گفت‌وگو با عبدالامیر نبوی، استاد دانشگاه و تحلیلگر مسائل منطقه

← خاورمیانه؛ از نزاع اعراب و اسرائیل تا تقابل تهران - تل‌آویو

← ۴ ۵ ۶

تغییر پارادایم سرمایه‌گذاری جهان به سوی کالاها چگونه متولد شد؟

فرصت «ترامپ‌دیوانه» برای بورس تهران

← ۹

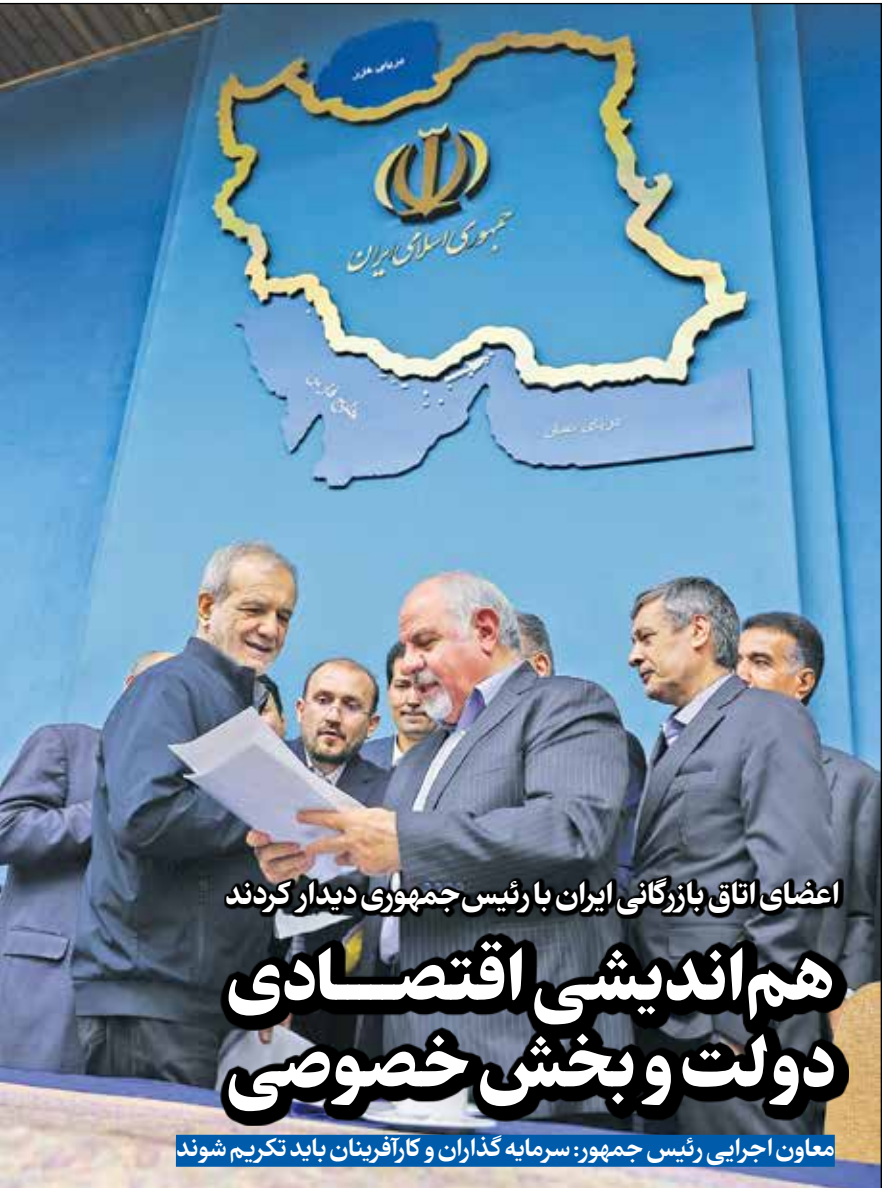


وزیر نفت از اکتشاف
میدان نفت و گاز «پارسی» خبر داد

گنج‌گازی جدید زیر پای ایران

پاک‌نژاد: این میدان با افزایش ذخیره ۱۰ هزار میلیارد
فوت مکعب گاز، می‌تواند نقش مهمی در جبران
ناترازی انرژی کشور در سال‌های آینده ایفا کند

← ۷



اعضای اتاق بازرگانی ایران با رئیس جمهوری دیدار کردند

هم‌اندیشی اقتصادی دولت و بخش خصوصی

معاون اجرایی رئیس جمهور: سرمایه‌گذاران و کارآفرینان باید تکریم شوند

← ۲

قالبیاف: انتخابات تناسبی به مجلس هم تسری یابد

احمد مسجد جامعی معتقد است شوراهای
ترکیبی تجربه موفق‌تری هستند

← ۳

گزارش ویژه «ایران» از علل تأخیر
در روند بازسازی ورزشگاه بزرگ پایتخت

۲ همت قفل «آزادی» را باز می‌کند

← ۱۲

باید برای مهریه و حمایت مالی
از زنان فکری کرد

عندالاستطاعه یا عندالمطالبه؟

← ۱۵

نسخه‌ای برای ایام پیرانه‌سری

در ماه جهانی **الزایمر** دنیا تلاش می‌کند تا
هر ۳ ثانیه یک نفر به فراموشی دچار نشود

← ۱۸

گذار از تراژدی به وجدان

نگاهی به زندگی و آثار **ایوان کلیما**
که در ۹۴ سالگی درگذشت

← ۱۷

در گفت‌وگو با مرتضی اسماعیل کاشی
کارگردان تئاتر مطرح شد

زیستن میان نور و تاریکی

← ۱۹

با حضور وزیر آموزش و پرورش و رئیس ستاد
فرمان اجرایی امام (ره) در لرستان اعلام شد

پایان مدارس کانکسی با بیشتر از ۱۰ دانش‌آموز

← ۱۵



سید عطاءالله مهابرانی

ای سید حسن نصرالله! کدام دانه فرو رفت در زمین که نرست!

سرس‌رازان سنگ بردار تادر چشمانش نگاه کنم، برنداشت.
در گوشه‌ای نشستم. نزدیک به ده دقیقه‌ای در کنار سنگ
مزار بودم و آن نوجوان پیشانی‌اش همچنان بر سنگ بود.
با سرانگشتانش سنگ مزار را لمس می‌کرد. من ظاهر او را که
می‌دیدم، او از سید چه تصویری در ذهن‌ودل داشت که چنین
دلاده‌وشیفته سید بود؟ مزاین دلدادگی و شیدایی چیست
و از کجاست؟ انگار صف مترکمی از انسان‌ها در ذهنم رزه
می‌رفتند. مانند سربازان یا نظامیانی که بر حسب رده و
رسته از هم متفاوتند. انسان‌ها در ذهنم دسته‌بندی شد:
یکم: کسانی که در زندگی این جهانی فقط به خود
می‌انیدند. به تعبیر شمس تبریزی، کسانی‌اند که با نفس
خود و برای نفس خود زندگی می‌کنند. «فن‌تقیش بنفسیه.»
دوم: کسانی که برای خود و خانواده زندگی می‌کنند. تمام
هم و غم‌شان خانواده است.
سوم: کسانی که در دایره وسیع‌تری با فامیل یا قوم و قبیله
خویشند.

چهارم: کسانی که در قلمرو ملی می‌اندیشند و حوزه
خدمتشان مردم سرزمین و کشورشان را فرامی‌گیرند.
پنجم: کسانی که در قلمرو دین‌یابین در جهان می‌گویند.
مثلاً شیعیان یا مسلمانان یا ایرانیان برای آنان هدف است.
ششم: افرادی که جهانی‌اند. فارغ از رنگ و نژاد و مذهب و
قومیت در خدمت انسانند.

هفتم: در بین گروه ششم کسانی وارد قلمرو تاریخ
می‌شوند. پیامبران و متفکران و هنرمندان و نویسندگان و
شخصیت‌های معنوی در این گروه قرار می‌گیرند.
هشتم: نوادری از گروه هفتم وارد جهان اسطوره می‌شوند.
شمالی آنان رنگی و عطری از آرمان یا حقیقت آرمانی به
خود می‌گیرد. مسیح و محمد صلوات‌الله علیهما و سقراط
چنین‌اند. در مرتبه‌ای دیگر امام خمینی و سید حسن نصرالله
وارد قلمرو اساطیر یعنی انسان‌های آرمانی‌شده‌اند.
این انسان‌ها تبدیل به سرمایه‌های انسانی می‌شوند. همان
تعبیری که آیت‌الله خامنه‌ای درباره سید حسن نصرالله به
کار بردند. سید حسن نصرالله سرمایه‌ای انسانیت بود. این
سرمایه‌ایسان به دست نمی‌آید. سید حسن تمام عمر در
بونه ابتلای جهاد و شهادت به سر برد. مثل شهید سردار
قاسم سلیمانی. وقتی کسی همه عمر در جهاد و شهادت
به سر برد، خداوند درهایی را به روی او می‌گشاید که برای
کسانی که زندگی معمولی و عادی دارند بسته است. آنان
در تمام زندگانی‌شان در خداوند زندگی می‌کنند. راز می‌گویند.
خداوند با آنان در ژرفا و گوهر جان‌شان راز می‌گوید.

به روایت امام علی علیه‌السلام در دعای کمیل: گویی تمام
زندگی آنان «وداً واحداً» یا یک سرود یا ترانه است، ترانه
توحید که با جهاد و شهادت تفسیر می‌شود. اگر چنین شد،
حیات سرمدی پیدا می‌کنند. از دایره محدود زمان‌مندی و
مکان‌مندی فراتر می‌روند. نوادری که تفسیر زندگی را با خون
خویش می‌نویسند و اعضای‌کنند.

بدیهی است کسانی که تفسیر زندگی‌شان با دارایی‌های این
جهانی و مصرف‌معنی پیدا می‌کنند، سرانجام جزغبار چیزی
در گفت‌ن دارند. به روایت قرآن مجید: «کَظَمُوا شَرَّتْ بِه‌الرَّیْخِ
فِی یَوْمِ غَاصِبٍ» (ابراهیم/۱۸) یعنی «مانند خاکستری که
در روز طوفانی تند بادی شدید بر آن بوزد.» این زندگی و

دستاوردها، بازنگی کسی که گوهر زندگی خود را با «وجه رب»
تعریف می‌کند: «امن تعیش برکة»، بسیار متفاوت است. اولی
مثل غبار بر باد می‌رود و محو می‌شود. دومی مثل خداوند

برجای می‌ماند: «وبقی وجه ربک.»
این دوستی‌ها و دلدادگی‌ها نسبت به سید حسن نصرالله
سرچشمه‌اش اراده و تدبیر الهی است. خداوند وعده داده
است که مهر و محبت اهل ایمان را در دل‌ها می‌نشانند.



یک سال از شهادت سید حسن نصرالله گذشته است. مراسم
سالگرد در کنار مزار او برگزار است. در همان ساعات، بمباران
ضاحیه هنگام حضور نتانیاهو در واشنگتن یا صند تن یمن
تاکتیکی سستی هسته‌ای انجام شد. نمی‌توانم باور کنم که
سید حسن نصرالله از لبنان و از مقاومت و از ضاحیه رفته
است. امشب (جمعه پنجم مهرماه) به محض اینکه به بیروت
رسیدم، به محل شهادت و مقتل سید حسن نصرالله رفتم.
جمعیت انبوهی منطقه ضاحیه را مثل نگین در بر گرفته بود.
ما را هی پیدا کردیم تا بتوانیم مراسم و مردم را بهتر و بیشتر
بینیم. پرچم‌های به رنگ زرد خورشیدی حزب الله مانند
امواج بلندی در متن دریای حضور مردم در اهتزاز بود. در
مراسم تشییع سید حسن در اسفندماه سال گذشته بیروت
بودم. شرح مراسم را در مقاله «شهادت به مثابه سبک
زندگی» نوشته‌ام. مقاله در کتاب «خسوف بیروت» منتشر
شده است. جمعیت جوانان، بویژه بانوان و البته کودکان
چشمگیر بود. مثل امروز بعد از ظهر که جمعیت از هر سو به
سمت مراسم روانه است.

سال گذشته مراسم در ورزشگاه «کمیل شمعون»، آنچنان
خیره‌کننده و با شکوه بود که اسرائیل نتوانست چنان
حضور و شوکی را تحمل کند. هواپیماهای جنگنده از ارتفاع
پایین بالای سر جمعیت که در استادیوم ورزشی و پل‌ها و
خیابان‌های اطراف مترکم بودند، پرواز کردند. خط سیاه
غرندۀ ای در آسمان بیروت کشیدند. دیوار صوتی را شکستند
تا مردم وحشت‌زده شوند. ارتش اسرائیل به دولت لبنان پیام
داد که پیشیزی برای دولت لبنان را اعتبار قائل نیست.
غرش هواپیماها در ارتفاع پایین و خط سیاه پرواز جنگنده‌ها
در آسمان؛ پیدا بود کسی نمی‌ترسید. شعارها افزون شد.
مشت‌ها رو به آسمان پرتاب می‌شد. موج نیرومند شعار
«الموت لاسرائیل» فراگیر بود. مانند سلسله‌امواج به حرکت
در آمد. پرچم‌های حزب الله در قالب شال‌هایی است که زنان
و مردان حتی کودکان پرورش افکندند. کلاه‌ها همه به رنگ
زرد خورشیدی‌اند. انگار تلاو نور را از آمیختگی هزاران هزار
امواج شعله‌های نور می‌بینید. گویی تفسیر این آیه قرآن
مجید است که «واشرق الارض بنور ربها» (الزمر/۶۹) «زمین
از روشنائی نور خداوند تابنده شده است.» جلوه دیگری از
این تعبیر در زیارت‌نامه کبیره آمده است: «واشرق الارض
بنورکم!» یعنی «زمین از نور شما تابنده است.»

در این ایامی که در بیروت، تقریباً هر روز یا شب به مرقد
سید می‌روم. این واژه «سید» هم بسیار خوش طنین و
زیبا و رساست. به محمد مصطفی صلوات‌الله علیه «سید»
می‌گفتند. هنگامی که اهل مکه یا مدینه در روزگار پیامبر
این واژه را به کار می‌بردند، همه ذهن‌ها و توجهات متوجه
پیامبر می‌شد. گویی واژه‌ای است که در ملتقای آسمان
و زمین ایستاده است. همانگونه که پیامبر بود؛ بشر بود و
آیینۀ او بود. جی. همانگونه که فاطمه زهرا علیها سلام بود؛
انسیه بود و حوراء.

سید حسن چنین موقعیتی در لبنان یافته است. با شکوه و
در دسترس! عظیم و ساده. چگونه به این موقعیت دست
یافته است؟ دیروز بعد از ظهر بر مزار سید، کنار سنگ مزارش
نشسته بودم. سنگ را بوسیدم. خاطره دیدارش و تپشش
و خنده‌اش و طنین خوش صدایش در ذهنم بلکه در برابرم
زنده بود. به روایت «نزار قبانی» گویی همان معشوق آرمانی
بود که قبانی گفت «شکنتها انغام و وورد!» «تسکینش طنین
ترانه بود و باغ گل!»

نوجوانی هشت‌ه‌ساله رویه رویم نشسته بود. پیشانی‌اش بر
سنگ مزار سید بود. می‌خواستم زودتر از کنار سنگ مزار بلند
شوم، تا فرصتی باشد برای آیندگان. از سویی دوست داشتم
این نوجوان با پیراهن بسیار خوش‌رنگ مسی به رنگ شفق،

قرعه‌کشی بزرگ حساب‌های قرض الحسنه پس انداز بانک سپه



۲۱۰۰ جایزه
۲۵۰ تومانی
۱۰۰ میلیون
۲۱۰۰ جایزه
۲۵۰ تومانی
۱۰۰ میلیون

۲۱۰۰ جایزه
۲۵۰ تومانی
۱۰۰ میلیون

۲۱۰۰ جایزه
۲۵۰ تومانی
۱۰۰ میلیون

۳۰ مهرماه
۵۰ هزار تومان در هر روز یک امتیاز

باران امید

در نخستین بانک یک‌صد ساله ایرانی

تأمین مهلت افتتاح حساب و با تکمیل موجودی

بل نقول الی اللقاء الی اللقاء الی اللقاء مع انتصار الدم علی السیف
الی اللقاء فی الشهادة الی اللقاء فی جوار الاخته
سید حسن نصرالله.

یعنی: «ایدانی گویم وداع!
بلکه می‌گویم تا دیدار! تا دیدار، تا پیروزی خون بر شمشیر
تا دیدار در شهادت، تا دیدار در کنار یاران عزیز
سید حسن نصرالله»

این سخن از فرهنگی جوشیده است که شهادت را راهی به
سوی حیاتی ابدی می‌داند. شهید را غایب از صحنه تلقی
نمی‌کند. فرهنگی که در آن شهید از قلمرو تاریخ فراتر
تعریف می‌کند: «امن تعیش برکة»، بسیار متفاوت است. اولی
از سنگ مزار سید سر بر نمی‌دارد!
(بیروت، یکشنبه ۱۳ مهر)

از سوی رئیس مجلس و در اولین همایش هیأت‌های نظارت بر انتخابات شوراها مطرح شد

ضرورت تسری انتخابات تناسبی به انتخابات مجلس



تجربه

سیاست

همراه خوارزمی

گروه سیاسی

انسجام و مشارکت مردم را افزایش دهد و نقش شورای شهر را تقویت کند.» روز گذشته اولین همایش هیأت‌مرکزی نظارت بر انتخابات شوراها، با حضور هیأت‌های عالی نظارت استان‌ها در بهارستان برگزار شد. به این ترتیب آغاز رسمی روند برگزاری انتخابات هفتمین دوره شوراهای شهر و روستا و فراهم شدن مقدمات آن در بعد سازوکار نظارتی کلید خورد.

با وجود اهمیت روند انتخاب نمایندگان مردم اثرگذاری این انتخابات تأکید کرد که «انتخابات تناسبی می‌تواند پیشرفت کشور،

آچه برگزاری این دوره از انتخابات را دارای اهمیت مضاعف ساخته، برگزاری انتخابات شورای اسلامی شهر تهران به شیوه تناسبی است. ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۵ شهروندان تهرانی پای صندوق‌های آرایشی حضور می‌یابند که هیچ یک از فهرست‌های مورد حمایتشان از آن صندوق بازنده تمام عیار بیرون نمی‌آید. زیرا براساس قانون انتخابات تناسبی که ۷ خرداد ۱۴۰۲ به تصویب مجلس رسید و قرار است این دوره در تهران و از دوره بعد در تمام شهرهای دارای بیش از ۵۰۰ هزار نفر جمعیت اجرایی شود؛ هر یک از فهرست‌های حزبی

فصل جدید مشارکت سیاسی



نگاره

احمد حکیمی‌پور
رئیس شورای مرکزی حزب اراده ملت ایران

انتخابات تناسبی یکی از نظام‌های شناخته‌شده و تجربه‌شده انتخاباتی در جهان است که در آن، نمایندگی نهادهای تصمیم‌گیر، متناسب با درصد آرای کسب شده هر گروه از مجموع آرای مردم تعیین می‌شود. این شیوه باعث می‌شود همه گرایش‌ها و سلیقه‌ها در ساختارهای انتخاباتی حضور داشته و صدایشان شنیده شود.

در ایران قرار است این شیوه برای اولین بار در انتخابات شوراها بکار برود که حرکتی قابل توجه است. در این روش هدف این است که نتیجه انتخابات به گونه‌ای باشد تا افراد متناسب با

میزان برخورداری‌شان از حمایت مردم صاحب کرسی شوند تا نمایندگی متنوع و واقعی از جامعه شکل بگیرد. این ویژگی نظام انتخاباتی تناسبی موجب می‌شود صدای اقشار و گرایش‌های مختلف جامعه در تصمیم‌گیری‌های خرد و کلان بهتر منعکس شود.

البته نحوه اجرا و تحقق این نظام انتخاباتی در کشورها متفاوت است. برخی نظام‌ها در برخی کشورها حتی اجازه می‌دهند نامزدها با کمتر از نیم درصد آرا هم یک کرسی به دست بیاورند. با توجه به اینکه قوانین انتخاباتی هر کشور براساس شرایط قومی، فرهنگی و

شرکت‌کننده در انتخابات، به تناسب تعداد آرای که از مجموع رأی دهندگان به خود اختصاص می‌دهند، کرسی یا کرسی‌هایی را به دست آورند.

این در حالی است که در اغلب ادوار، انتخابات شورای اسلامی شهر تهران به پیروزی قاطع تنها یکی از فهرست‌های ارائه شده از سوی جریان‌های سیاسی منتهی می‌شد. چنان که در اولین دوره، همه کرسی‌ها به اصلاح‌طلبان رسید و دوره دوم فهرست اصولگرای موسوم به آبادگران غالب شد. در دوره ششم تمامی ۲۱ کرسی شورای اسلامی شهر تهران به شورای ائتلاف جبهه نیروهای انقلاب رسید.

این دوره از انتخابات پس از سال‌ها اولین دوره‌ای است که انتخابات شوراها‌ی شهر و روستا مستقل از انتخابات ریاست جمهوری برگزار می‌شود. اتفاقی که رئیس مجلس آن را به بیرون آمدن انتخابات شوراها از زیر سایه سیاست تعبیر کرد و با همین تعبیر از احزاب سیاسی خواست اجازه دهند تا اجزایی که جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و خدماتی دارند، بیشتر ایفای نقش کنند و رویه تبلیغات هم به سمتی برود که مردم بینند قرار است مشکلات روزمره آنان در شوراها برطرف شود. با وجود این، واضح است که انتخابات شورای شهر بویژه در تهران پایتخت سیاسی ایران برای منفک شدن از عرصه سیاست و ارائه فهرست‌های مرتبط با تشکل‌های مدنی و نه سیاسی راه طولانی در پیش دارد.

پایان تک صدایی و افزایش مشارکت

به وجود آمدن وضعیت تک صدایی، برای هیچ یک از نهادهای تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز شورایی وضعیتی مطلوب نیست و مانع از گرفته شدن تصمیم‌های اجماعی و دارای پشتوانه قوی اجتماعی می‌شود. با این حال این وضعیت در مورد شوراهای شهر که لایه اول مواجهه نظام حکمرانی با عموم مردم و نهادهای برای تصمیم‌گیری درباره مدیریت شهری و موضوعات مرتبط با زندگی روزمره مردم است؛ اثرات گسترده‌تر و ملموس‌تری دارد. زیرا شورای شهر علاوه بر مسئولیت مهم انتخاب شهردار و نظارت بر عملکرد او، طیف گسترده‌ای از امور شهری از «تصویب طرح‌های جامع، هادی و حدود شهر» تا «نظارت بر درآمد‌ها و هزینه‌های شهرداری» و از «وضع مقررات مربوط به بهداشت، امنیت، عمران، زیبایی و رفاه عمومی شهر» تا «تعیین نرخ کرایه وسایل نقلیه درون شهری» و «نظارت بر امور نامشایخانه‌ها، سینماها و اماکن عمومی» را بر عهده دارد. وظایفی که به معنای واقعی تعیین یک نظام حکمرانی شهری است و با ابعاد مختلف زندگی اجتماعی پیوند دارد.

به این ترتیب حضور نداشتن حتی یک

نماینده از جریان سیاسی که طیف خاصی از جامعه را نمایندگی می‌کند؛ قاعدتاً نباید سبب نادیده گرفته شدن مطالبات آن طیف از شهروندان شود، اما از دچار بودن به چنین آسیبی نیز به دور نیست. کما اینکه سهم داشتن احزاب و گروه‌های مختلف از کرسی‌های هر نهاد دموکراتیک می‌تواند تا حدود قابل توجهی احتمال بروز رویه‌های فسادزا و رانتی را کاهش دهد.

سمت دیگر به وجود آمدن امکان تقسیم کرسی‌های شورا به تناسب آرای فهرست‌ها ایجاد این باور در شهروندان است که هیچ یک از آرای در شکل دادن به ترکیب شورا بی‌اثر نخواهد بود. این اعتقاد و باور، البته به شرط تنوع و تکثر فکری مطلوب نامزدهای تأیید صلاحیت شده از سوی هیأت‌های عالی نظارت می‌تواند به افزایش معنادار نرخ مشارکت مردم در انتخابات و در امتداد آن تقویت سرمایه و انسجام اجتماعی منتهی شود.

قالبیاف: باید سمت

انتخابات حزبی برویم

با اینتا بر همین پیامدها بود که رئیس مجلس شورای اسلامی روز گذشته در همایش هیأت‌های نظارت بر انتخابات شوراها، با بیان اینکه اگر انتخابات به صورت تناسبی برگزار شود در پیشرفت کشور، انسجام مردم، فعالیت‌های مردمی و مشارکت آنان مؤثر است، گفت: «ما باید سمت انتخابات حزبی برویم و در این راستا انتخابات تناسبی که فعلاً قرار است در شهر تهران انجام شود، باید به تدریج به کل کشور تسری پیدا کند.» او با بیان اینکه در انتخابات مجلس نیز باید جهت‌گیری ما برگزاری انتخابات به شیوه تناسبی باشد و البته این کار به طمانینه و اقدام تدریجی نیاز دارد، درباره نحوه تسری انتخابات تناسبی به انتخابات مجلس گفت: «لازم است مثلاً ابتدا انتخابات تناسبی در مراکز استان و سپس در سایر مناطق برگزار شود.»

قالبیاف اعضای هیأت عالی نظارت را مخاطب قرار داد و تأکید کرد: «نباید هرگز سلاقی سیاسی در تعیین صلاحیت‌ها سلاک قرار گیرد. همچنین هیأت‌های نظارت باید چهارچوب زمانبندی فرآیند برگزاری انتخابات را رعایت کنند.»

رئیس مجلس با اشاره به ضرورت تمرکززدایی و اصلاح نظام اداری در جهت افزایش کارآمدی نظام حکمرانی بر اهمیت تقویت شوراهای اسلامی کشور به عنوان پارلمان‌های محلی، تأکید کرد و گفت: «نباید نگاه تقابلی در این حوزه داشته باشیم چرا که یکی از پایه‌های کارسازی در کشور، شوراها هستند.»

باعث افزایش رضایت عمومی می‌شود، زیرا رأی مردم به هر اندازه‌ای که باشد، در ساختار قدرت و تصمیم‌گیری به چشم خواهد آمد و مؤثر خواهد بود. نکته مهم در این میان، توجه به نقش احزاب است. اکنون در ایران احزاب به دلیل نبود سازوکارهای تشوقی و امتیازات ساختاری، فعالیت مؤثر چندانی ندارند. علیرغم اینکه احزاب و انتخابات وجود دارند، اما ارتباط و هماهنگی واقعی میان احزاب شکل نگرفته است.

در صورتی که در قوانین انتخابات، امتیازاتی برای عضویت در احزاب تعیین شود و معرفی نامزدها

یادداشت



احمد مسجدجامعی

عضو پیشین شورای شهر تهران

شوراهای ترکیبی

تجربه موفق تری هستند

برگزاری اولین انتخابات تناسبی برای انتخاب اعضای هفتمین دوره شورای اسلامی شهر تهران، به عنوان گام اول یک تغییر جدی در سازوکار انتخابات نهادهای شورایی نظام جمهوری اسلامی، اتفاقی دارای اهمیت است.

این اتفاق می‌تواند در امتداد خود و با تسری به انتخابات مجلس شورای اسلامی سبب تقویت بیش از پیش تکثر و مردم‌سالاری شود. اما این امر در زمینه انتخاب اعضای شورای اسلامی شهر با یک ملاحظه همراه است. این ملاحظه، ضرورت فاصله گرفتن این نهاد از رقابت‌های معمول سیاسی است. زیرا مدیریت شهری از جنس کار اجتماعی است و به همین دلیل هر چه از فضای سیاسی فاصله بیشتری بگیرد، خواهد توانست با کیفیت بهتری پاسخگوی مطالبات مردم شهر باشد که نوعاً از جنس اجتماعی و فرهنگی است.

از زاویه‌ای دیگر، انتخابات تناسبی برای شوراهای اسلامی یک فرصت است. انتخابات شورای شهر باید بتواند مردم را به مشارکت دعوت کرده و زمینه این مشارکت را فراهم کند. زیرا مدیریت شهر امری کاملاً مشارکتی و اجتماعی است و در قالب آن باید همه طیف‌ها و گروه‌های مختلف مردم جایگاه داشته و تأثیر خود را احساس کنند. لذا وجود نمایندگانی از گروه‌های مختلف در صحن شورای شهر می‌تواند تصمیمات شورا را از حیث تأمین نیازها و منافع همه اقشار و طبقات شهری متعادل کند. تجربه من بعد از ۱۴ سال حضور در شورای شهر این بود که شوراهای ترکیبی شوراهای موفق‌تری بودند.

از مسیر احزاب انجام شود، نظام انتخاباتی و حزبی می‌توانند مکمل هم بوده و به شکل‌گیری جریان‌های سیاسی قدرتمند در جامعه کمک کنند. امیدواریم با تغییر نظام انتخاباتی که در انتخابات شوراها در سال آینده متبلور خواهد شد، ساختار سیاسی به سمتی برود که تأثیر حضور جریان‌های مختلف در تصمیم‌سازی افزایش یابد.

به دیگر سخن، اگر رویه‌های مطرح شده از مرحله سخن عبور کرده و شکل اجرایی به خود بگیرند، می‌توان به آغاز فصل جدیدی در مشارکت سیاسی و تعمیق نقش احزاب در ایران امیدوار بود.

آگهی مزایده

نوبت اول

جمع آوری و فروش تجهیزات و تاسیسات قدیمی و اقالم مستعمل موجود در موتورخانه سازمان ملی زمین و مسکن



سازمان ملی زمین و مسکن

۱) نام و نشانی مزایده‌گزار: سازمان ملی زمین و مسکن به نشانی تهران، میدان ونک، خیابان شهید خدای، چهارراه نیروی انتظامی، شماره ۵۶، تلفن: ۸۸۸۷۰۶۹۷، نمابر: ۸۸۷۸۲۱۳۳

۲) موضوع مزایده: جمع‌آوری و فروش تجهیزات و تاسیسات قدیمی و اقالم مستعمل موجود در موتورخانه سازمان ملی زمین و مسکن طبق جدول پیوست شماره (یک) شامل دیگ‌های بخار، چیلر، بویلر و متعلقات مربوطه با شرایط موجود، واقع در موتورخانه این سازمان به آدرس تهران، میدان ونک، خیابان شهید خدای، نبش خیابان نیروی انتظامی، پلاک ۵۶

۳) مبلغ و نوع تضمین شرکت در مزایده: مبلغ تضمین شرکت در مزایده بابت ۳,۸۲۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال می‌باشد که نحوه ارسال آن در اسناد مزایده شرح داده شده است.

۴) شرایط: کلیه مراحل برگزاری مزایده از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد قیمت و بازگشایی پاکات از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مزایده‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مزایده محقق سازند.

۵) محل، زمان و مهلت دریافت اسناد مزایده:

متقاضیان شرکت در مزایده می‌توانند از ساعت ۱۴:۰۰ روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۳ تا ساعت ۱۶:۰۰ روز پنج‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۴ با مراجعه به سامانه (ستاد ایران) نسبت به دریافت اسناد مزایده اقدام نمایند.

۶) محل، زمان و مهلت تحویل اسناد مزایده:

متقاضیان شرکت در مزایده پس از دریافت اسناد و تکمیل آنها باید مدارک و مستندات و قیمت پیشنهادی را حداکثر تا ساعت ۱۳:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۵ در سامانه ستاد ایران بارگذاری نمایند.

۷) محل و زمان بازگشایی پاکت‌های حاوی اسناد مزایده:

کمیسیون مزایده ساعت ۱۳:۰۵ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۰۵ در محل سالن جلسات واقع در طبقه ششم به نشانی مندرج در بند (۱) جهت بازگشایی پاکت‌های مزایده‌گران تشکیل می‌گردد.

۸) کلیه مزایده‌گران می‌توانند از ساعت ۰۹:۰۰ تا ۱۳:۰۰ روزهای غیر تعطیل در روزهای دوشنبه ۱۴۰۴/۰۷/۱۴ تا چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۳۰ با هماهنگی قبلی از طریق شماره تلفن ۰۹۱۹۱۴۰۰۷۶۲ (آقای کاشی - مسؤول تأسیسات) و مراجعه به آدرس مندرج در بند (۲) از تأسیسات مذکور در موتورخانه سازمان بازدید به عمل آورند.

اداره کل امور حقوقی و قراردادها

آگهی برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

همراه با ارزیابی کیفی

نوبت دوم



سازمان ملی زمین و مسکن

۱) نام و نشانی مناقصه‌گزار: سازمان ملی زمین و مسکن به نشانی تهران، میدان ونک، خیابان شهید خدای، چهارراه نیروی انتظامی، شماره ۵۶، تلفن: ۸۸۸۷۰۷۲۴, ۸۸۸۷۰۳۲۸، یا نمابر: ۸۸۷۸۲۱۳۳ نشانی تارنما: www.nlho.ir

۲) موضوع مناقصه: برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله‌ای همراه با ارزیابی با موضوع خرید خدمات طبق جدول ذیل و به شرح مشخصات مندرج در اسناد مناقصه.

ردیف	شماره نیاز سامانه ستاد	موضوع مناقصه	مبلغ برآورد پایه (ریال)	مبلغ تضمین (ریال)
۱	۲۰۰۴۰۱۰۰۰۰۰۰۱۱	انجام امور کنترلی و نظارتی بر فعالیت‌های شعب (ادارات کل استانی) و ارائه خدمات مالی در سازمان ملی زمین و مسکن و گزارشگری مالی	۴۱,۳۲۲,۸۱۹,۵۳۴	۲,۰۶۶,۱۴۰,۹۷۶

۳) شرایط:

* کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهاد قیمت و بازگشایی پاکات نیز از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.

* بارگذاری کلیه مستندات مورد نیاز که در شرایط مناقصه قید شده است، جهت بررسی صلاحیت شرکت‌های متقاضی در سامانه ستاد و در بخش‌های مربوطه الزامی است.

۴) محل، زمان و مهلت دریافت اسناد مناقصه: متقاضیان شرکت در مناقصه می‌توانند از ساعت ۱۶:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۳ تا ساعت ۱۰:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۶ نسبت به دریافت اسناد مذکور از طریق سامانه الکترونیکی دولت (ستاد) اقدام نمایند.

۵) محل، زمان و مهلت تحویل اسناد مناقصه: متقاضیان شرکت در مناقصه پس از دریافت اسناد مناقصه و تکمیل آنها باید مدارک، مستندات و قیمت پیشنهادی را حداکثر تا ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۳۰ در سامانه (ستاد ایران) بارگذاری و نسبت به تحویل فیزیکی پاکت (الف) به دبیرخانه محرمانه مناقصه‌گزار (اداره کل حراست) اقدام نمایند.

۶) محل و زمان بازگشایی پاکت‌های حاوی اسناد مناقصه: کمیسیون مناقصه در ساعت ۱۰:۰۵ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۳۰ در محل سالن جلسات سازمان واقع در طبقه ششم (سالن کنفرانس) به نشانی مندرج در بند (۱) جهت افتتاح پاکت‌های دریافتی از مناقصه‌گران تشکیل می‌گردد.

اداره کل امور حقوقی و قراردادها

دو سال پس از ۷ اکتبر، ردپایی از اما واگرها

دیدگاه

استیون کوک

عضو ارشد شورای روابط خارجی آمریکا

بیا باید لحظه‌ای یک سناریوی متضاد تاریخی درباره حمله ۷ اکتبر ۲۰۲۳ را تصور کنیم. اگر اسرائیل با یک جنگ شدید اما محدود در غزه پاسخ می‌داد، آزادی اسرای اسرائیلی را در اولویت قرار می‌داد و همزمان به دنبال توافق صلح با عربستان بود که قبل از حمله حماس روی میز بود، وضعیت چگونه بود؟ اسرائیل چگونه عمل می‌کرد و چه تعداد زندگی فلسطینی‌ها نجات پیدا می‌کرد؟ امروز منطقه چگونه بود؟

در عوض، اسرائیل مجموعه‌ای از تصمیمات سریع گرفت که مسیر را تغییر داد، همان‌طور که دیگر بازیگران منطقه و همچنین جو بایدن، رئیس جمهوری وقت آمریکا، مسیرهای خود را مشخص کردند. این همان چیزی است که دانشمندان اجتماعی «وابستگی مسیر» می‌نامند: فرآیندی که در آن تصمیمات، تصمیمات بعدی را شکل می‌دهند.

با ظهور طرح ۲۰ بندی صلح خاورمیانه دونالد ترامپ، زمان مناسبی است که نگاه کنیم: آیا راه‌هایی که انتخاب شدند یا نشدند، باعث طولانی‌تر شدن جنگ در غزه شده‌اند؟ پاسخ، البته، بله است. فاجعه‌ای که در غزه رخ داد، اجتناب‌ناپذیر نبود. اما پاسخ همچنین نه است، زیرا برخی از آن مسیرها الزاماً برای رهبران آمریکا و خاورمیانه در آن زمان در دسترس نبودند. پیامدهای سیاسی آن، بویژه در اسرائیل، فلسطینی‌ها، اسرائیلی‌ها، آمریکایی‌ها و دیگران را در مسیر تراژیک قرار داد که اکنون در آن گرفتارند.

زمانی که حماس عملیات طوفان الاقصی را آغاز کرد، سیاست فوراً شروع به شکل‌دهی میدان نبرد بعدی کرد. واضح بود که بایدن-مرکزگرایی دموکرات قدیمی که هرگز از اعلام حمایت خود از صهیونیسم کوتاهی نکرده بود- اعتقاد داشت اگر فوراً پس از حمله ۷ اکتبر از اسرائیل دیدن کند، برای اخلاق، میراث سیاسی او و سیاست‌هایش بهتر است. بازدید بایدن در ۱۸ اکتبر به نظر می‌رسید پیروزی سیاسی و فرصتی برای رهبری اسرائیل درمادنه و جامعه یهودی مضطرب باشد.

با این حال، این بازدید همچنین بذر سوءتفاهم و سرزنش میان آمریکا و اسرائیل شد که بعداً رخ داد. بایدن واضحاً تصور می‌کرد که آغوش گرمش نقودی در نحوه پیشروی ارتش اسرائیل علیه حماس به او می‌دهد. در عوض، رهبران اسرائیل بازدید را علامتی دانستند که دست آنها در غزه باز است. وقتی مشخص شد که بایدن اسرائیل را اشتباه فهمیده و بالعکس، جنگ وارد ماه چهارم خود شده بود. بنیامین نتانیاهو و مشاورانش در طول باقی‌دوران ریاست جمهوری او عملاً آمریکا را نادیده گرفتند. این بازدید نه تنها مزایای سیاسی برای بایدن و دولت‌ش ایجاد نکرد، بلکه اختلافات میان دموکرات‌ها را دامن زد، بسیاری از نمایان اسرائیل را از حزب دموکرات و نامزد آن دور کرد و میراث رئیس جمهوری را لکه‌دار ساخت، کسی که همیشه به خاطر تسهیل نسل‌کشی متهم خواهد شد.

این بود «وابستگی مسیر» بایدن و تصمیم اولیه او که تصمیمات بعدی را شکل داد. برای

اسرائیل، این برنامه جنگ بود. در ماه‌های اخیر، حامیان اسرائیل در پاسخ به انتقادات از عملیات ارتش در غزه پرسیده‌اند: «اسرائیل چه کاری باید انجام می‌داد؟» منظور این است که هیچ جایگزینی برای عملیات اسرائیل وجود نداشت و بنابراین انتقادات غیرموجه است.

حدود یک سال پس از آغاز جنگ، مقامات سابق اسرائیل به طور خصوصی به من گفتند که اسرائیل در واقع اجرای یک عملیات سه ماهه و ویرانگر علیه حماس را مدنظر داشت، عملیاتی که با دکترین نظامی اسرائیل، حمایت احتمالی شرکای عرب اسرائیل و اطمینان از بیشترین حمایت آمریکا همخوانی داشت.

اما سیاست در لحظه-علاقه به انتقام و خشم



دهد تا بتوانند جنگ کنونی را پایان دهند و در نهایت در صلح زندگی کنند.

پس از دیدار ترامپ با نتانیاهو در ۲۹ سپتامبر، خوش‌بینی زیادی ایجاد شد. رهبر اسرائیل هنوز باید با مخالفت همان افرادی که دوام کابینه‌اش به آنها وابسته

است، مقابله کند. به همین دلیل وقتی هفته گذشته در کنار ترامپ مقابل رسانه‌ها ظاهر شد، تأکید کرد که طرح آمریکا تمام اهداف نظامی و سیاسی اسرائیل را برآورده خواهد کرد. این ادعا تنها در زمانی درست است که حماس واقعاً اسرای باقی‌مانده را آزاد کند-تنها اهرمی که این گروه دارد- و سلاح خود را کنار بگذارد.

به عبارت دیگر، شکست را بپذیرد. هیچ‌کس هرگز نخواهد دانست که سایر مسیرهای ممکن، آمریکایی‌ها، اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها را به کجا می‌برد. شاید ترامپ منطقه را در مسیر جدیدی قرار داده باشد، اما حتی اگر این‌طور باشد، طرح‌های دربار آمریکایی‌ها و فلسطینی‌ها برای خود تغییراتی و عدالت چیزی نمی‌گوید که عملاً یک مسیر طولانی و نامطمئن دیگر را تضمین کند.

منبع: Foreign Policy



ترامپ با همان مشکلی روبه‌روست که

رؤسای جمهوری قبلی آمریکا با

آن دست‌وپنجه نرم کرده‌اند:

چگونه انگیزه‌ها و محدودیت‌های

سیاسی اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها را تغییر دهد



تبدیل پیروزی به شکست عادت

اسرائیلی‌هاست. ماهیت آپارتاید

و سادیسیم پیروزی مطلق

از ۱۹۷۳ رژیم را همواره از چاله

به چاه انداخته است، حتی امروز که فکر می‌کند می‌تواند

نقشه خاورمیانه را تغییر دهد...

یادداشت

علیرضا حجتی

دبیر گروه بین‌الملل

اکتبر ۱۹۷۳ است: صهیونیست‌ها مشغول جشن‌های یوم کیپور هستند غافل از اینکه مصر بزرگ‌ترین غافلگیری را برای آنها کنار گذاشته است و آماده حمله برای بازپس‌گیری صحرای سینا است.

مصری‌ها که بعد از مرگ جمال عبدالناصر سرخورده هستند، در ندادن حمله‌ای حافظ اسد آغاز می‌شود. اسرائیل به شدت غافلگیر شده است و مصر پیروزی برق‌آسایی در ابتدا کسب می‌کند.

مصری‌ها حتی با شکست «خط بارلو» در صحرای سینا باعث هبت و حیرت سران اسرائیل شده‌اند. چیزی به شکست اسرائیل باقی‌نمانده است اما ورود آمریکا به عرصه و راه‌اندازی خط تأمین هوایی تسلیحات به اسرائیل

مشهور به خط Nickle Grass از یک سو و تصمیمات نظامی اشتباه محمد انور سادات، به تدریج روند جنگ را

مغلوبه می‌کند.

جنگ یوم کیپور، با پیامدهایش تاریخ خاورمیانه را تغییر داد. اعراب به این نتیجه رسیدند که اسرائیل شکست‌ناپذیر است، مصر به عنوان بزرگ‌ترین کشور و ارتش عربی به صلح تحمیلی کمپ دیوید تن داد تا فلسطین تنها حامی قدرتمند خود را هم از دست بدهد. توافقی که تا همین امروز هم مصر را به گروگان گرفته است. در جبهه اسرائیل هم، پیروزی در یوم کیپور، صهیونیست‌ها را به ادراک رساند که آنها وارد «عصر جاودانگی» در خاورمیانه شده‌اند و پایان تاریخ را رقم می‌زنند. دیگر هیچ مانعی پیش روی اسرائیل قرار نداشت و تنها مشکل آنها مبارزان فلسطینی‌ساف در لبنان بودند. از این رو اسرائیل حمله به لبنان و فتح بیروت را به عنوان «خامه روی کیب» پیروزی‌های منطقه‌ای خود در نظر گرفت. اما این بزرگ‌ترین قمار تاریخی رژیم صهیونیستی بود و پیشروی تا بیروت، تولد حزب‌الله لبنان را به دنبال داشت.

تبدیل پیروزی به شکست عادت اسرائیلی‌هاست. ماهیت آپارتاید و سادیسیم پیروزی مطلق از ۱۹۷۳ رژیم را همواره از چاله به چاه انداخته است، حتی امروز که فکر می‌کند می‌تواند نقشه خاورمیانه را تغییر دهد... و حتی در صبح ۷ اکتبر ۲۰۲۳ که غافلگیری

بزرگ‌تری از اکتبر ۱۹۷۳ را چشید.

حالا این حماس بود که سکان تاریخ را به دست گرفت و سرنوشت غرب آسیا را به قبل و بعد از طوفان الاقصی تبدیل کرد. حوادثی که تاریخ را به قبل و بعد از خود تقسیم می‌کنند بعد غافلگیری را حفظ می‌کنند: روندها را دگرگون می‌کنند و خود به نقطه مبدأ حوادث آتی تبدیل می‌شوند. ویژگی دیگر این اتفاقات تاریخی این است که تمام پیشفرض‌های تثبیت‌شده را برهم می‌زنند و مسیر تحولات را تغییر می‌دهند.

تاریخ منطقه پیش از طلوع صبح ۷ اکتبر بنیامین نتانیاهو ۲۲ سپتامبر ۲۰۲۳ درست ۱۵ روز قبل از طوفان الاقصی در مجمع عمومی سازمان ملل گفت: ببینید! فلسطینی‌ها تنها ۲ درصد از جهان عرب هستند! وقتی آنها ببینند که ۹۸ درصد کشورهای عربی با دولت یهود آشتی کرده‌اند، احتمال بیشتری دارد که راه

صلح واقعی را در پیش بگیرند! جنایتکار قرن این جملات صلح‌طلبانه را همزمان با در دست داشتن نقشه‌ای از خاورمیانه که تمام فلسطین به شمول غزه و کرانه باختری را ضمیمه اسرائیل نشان می‌داد، بیان کرد! از نگاه نتانیاهو، صلح واقعی که فلسطینی‌ها می‌توانند از

پرسامدترین واژه جهان از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ شاید ۲ سال قبل برای شهروندان جهانی شناخته شده نبود اما این یاریکه که امروز جهان را در دل خود قرار داده است، تاریخی پر از مقاومت و خون و اشغال با خود حمل می‌کند. تاریخی که همچنان ناشناخته باقی‌مانده و در محاصره زمان قرار گرفته است. تاریخ غزه اگر پیشینه‌ای طولانی

درد اما داستان غزه مشخصاً از سال ۱۹۴۸ و یوم النکبه بعد از تأسیس رژیم صهیونیستی آغاز می‌شود. روزگاری که جمال عبدالناصر که محبوب‌ترین رهبر عربی دوران خود بود، در جریان جنگ اول اعراب و اسرائیل در غزه محاصره شده و با شکست دولت‌های عربی از اسرائیل، دستور ترک آنجا را می‌گیرد. عبدالناصر آن زمان یک افسر



حکومت مصر

پیش از جنگ مرتبط با ایجاد رژیم اسرائیل در ۱۹۴۸، غزه کنونی بخشی از قلمرو وسیع خاورمیانه تحت حاکمیت بریتانیا بود. پس از شکست ائتلاف کشورهای عربی توسط اسرائیل، ارتش مصر کنترل یک نوار کوچک بین اسرائیل، مصر و مدیترانه را در دست گرفت. در طول یوم النکبه، حدود ۷۰۰ هزار فلسطینی یا از خانه‌های خود قرار کردند یا مجبور به ترک شدند؛ این جابه‌جایی ده‌ها هزار فلسطینی را به نوار غزه کشاند.

تحت کنترل نظامی مصر، پناهندگان فلسطینی در غزه بی‌خانمان و بدون تابعیت بودند. مصر آنها را شهروند نمی‌دانست و اسرائیل اجازه بازگشت به خانه‌هایشان را نمی‌داد. بسیاری از آنها توسط آژانس پناهندگان فلسطینی سازمان ملل (UNRWA) حمایت شدند. در همین حال، برخی جوانان فلسطینی هسته‌های مقاومت علیه اسرائیل را شکل دادند.



۱۹۹۳–۲۰۰۵ کنترل فلسطینی

برای مدتی، مذاکرات صلح بین رهبران اسرائیل و فلسطین به رهبری یاسر عرفات آینده غزه را کمی امیدوارکننده کرد. پس از توافقات اسلو به عنوان مجموعه‌ای از توافقات بین نخست‌وزیر اسرائیل، اسحاق رابین و رهبر سازمان آزادی‌بخش فلسطین که زمینه‌ساز راه‌حل دو دولتی شد کنترل غزه به حکومت تازه تأسیس فلسطینی واگذار شد.

اما خوش‌بینی کوتاه‌مدت بود. ترور رابین در ۱۹۹۵ توسط یک یهودی افراطی مخالف صلح و انتخاب بنیامین نتانیاهو به عنوان نخست‌وزیر در سال بعد، تلاش‌های صلح به رهبری آمریکا را متوقف کرد. تلاش دیگری در اواخر ۲۰۰۰ با آغاز انتفاضه دوم فلسطینی شکست خورد.

در سال ۲۰۲۵، آرلی شارون، نخست‌وزیر وقت رژیم صهیونیستی دستور خروج یک‌جانبه از غزه را صادر کرد و همه نیروهای اسرائیل و تقریباً ۹۰۰۰ شهروند‌نشین را از نوار غزه خارج کرد. اقدامی که اسرائیل را به شدت دچار شکاف کرد.



فلسطین

آن بهره‌مند شوند همین است: واگذاری باقیمانده اراضی فلسطین به رژیم صهیونیستی، منظور نتانیاهو واضح بود: آن ۲ درصد فلسطینی بروند پی کارشان! همان طور که در این ۲ سال این حرفش را با کارزار نسل‌کشی در غزه امضا کرده است.

در ۶ اکتبر ۲۰۲۳، در حالی که محمد الضیف، یحیی السنوار و زمندگان حماس آخرین هماهنگی‌ها را انجام می‌دادند برت مک‌گورک هماهنگ‌کننده کاخ سفید خود با مقامات عربستان جلسه گذاشته بود و ببار داشت که یک توافق صلح در دسترس است و دولت بایدن ممکن است در جایی موفق شود که تمامی دولت‌های پیشین شکست خورده بودند. مک‌گورک داشت با دیپلماتیک خود عربستان سعودی روابط دیپلماتیک خود با اسرائیل را عادی‌سازی می‌کرد. کشوری که خود را رهبر جهان اسلام می‌دانست، اسرائیل را این گونه درآغوش می‌گرفته. بنابراین مبارزان فلسطینی حماس در هفت اکتبر ۲۰۲۳، کاری را کردند که دلایل و زمینه‌های فلسطینی داشت و از آن مهم‌تر،

خواست فلسطینی را پشتوانه خود می‌دید. صبح ۷ اکتبر، فلسطین نه با یک «انتخاب» که در برابر یک «اضطرار» قرار داشت. موضوع حذف شدن از صحنه روزگار بود و فلسطینی‌ها در غزه و کرانه باختری کم کم زندانیان فراموش شده تاریخ لقب می‌گرفتند: جدال بر سر مرگ و زندگی بود. بعد از ۲ سال منطقه دیگر قبل عملیات طوفان الاقصی نیست. نتانیاهو و کابینه راست افراطی‌اش در این تصور بودند که پنجره‌ای برای حل موضوع فلسطین و مقاومت باز شده است و آنها می‌توانند با جهنم‌سازی از غزه طی مدت کوتاهی اهداف خود را محقق کنند. جو بایدن صهیونیست بزرگ هم در قامت رئیس جمهوری ایالات متحده همین گونه فکر می‌کرد! اما او با حمایت نامحدود از جنایت جنگی در غزه با خود قمار کرد و علاوه بر ننگ حمایت از نسل‌کشی، در انتخابات ریاست جمهوری هم شکست خورد. ۲ سال بعد از نطق نتانیاهو در سازمان ملل که با خوشحالی از آشتی فرزندان اسماعیل و اسحاق سخن می‌گفت، نطق اسمال او به صحنه نفرت از رژیم صهیونیستی تبدیل شد. او اسرائیل را به منزوی‌ترین و منفورترین دولت تاریخ تبدیل کرده است. تمام چیزی که طی ۷۸ سال «روایت اسرائیل» را ساخته بود در عرض ۲ سال از هم گسیخت و کاملاً فرو ریخت. این با

هیچ پیروزی کاملی هم تغییر نمی‌کند. بزرگ‌ترین دموکراسی خاورمیانه دیگر قادر نیست جنایت رژیم را ایشود. فلسطین نه یک مقاومت ملی که حالا دیگر یک انتفاضه جهانی است. شاید دیگر هیچ کسی قادر نباشد با نمایش راهکار دو دولتی که عملاً دولتی روی کاغذ با چند کانتون است، موضوع فلسطین را به پستی سیاست منتقل کند. تاریخ نشان داده است اسرائیل توان حفظ و تثبیت هیچ پیروزی را ندارد. از جنگ یوم کیپور و توافق اسلو گرفته تا امروز، پیروزی برای صهیونیست‌ها به تدریج تبدیل به کارما شده است. ذات اشغالگری مغایر با درس گرفتن از تاریخ مرگ است. این یک هشدار است. بقی دولت‌نشان می‌دهد که اسرائیلی‌ها چقدر به این دروغ عادت کرده‌اند که رهبری فاجعه‌بار نتانیاهو در واقع بهترین گزینه ممکن است. اگر اسرائیل غافلگیری اکتبر ۱۹۷۳ را به یک پیروزی درخشان تغییر داد اما اکتبر ۲۰۲۳ صهیونیسم را در فرسایش سقوط و لغزش به نابودی قرار داده است. اکنون جهان و خاورمیانه فقط یک انتخاب دارد: یا اسرائیل یا فلسطین. مسیر تاریخ این گونه عوض می‌شود!

هاآرتص:

اسرائیل در حال مرگ است. این یک بشار است. بقاء دولت نشان می‌دهد که اسرائیلی‌ها چقدر به این دروغ عادت کرده‌اند که رهبری فاجعه‌بار نتانیاهو در واقع بهترین گزینه است

اسرائیل در بن بست تصمیم گیری

دیدگاه

ناتان براون

پژوهشگر ارشد اندیشکده کارنگی

روش اخیر اسرائیل در به‌کارگیری همزمان نیروهای نظامی علیه چند دشمن، از نظر مقایسه‌ای تقریباً بی‌سابقه است: از زمانی که در سال ۱۹۶۷ این کار را انجام داد، چنین اتفاقی رخ نداده بود و این امر هم‌اکنون باعث بروز پرسش‌هایی شده که اسرائیلی‌ها را بشدت تقسیم‌کرده است و هیچ جناحی پاسخ‌های قانع‌کننده‌ای ندارد. واقعیت این است که بحث اصلی در واقع یک انتخاب نامطلوب میان دوره جابگیرن برای ریودن شکست استراتژیک از دهان پیروزی است. با اسرائیل تصمیم می‌گیرد هر زمان و در هر مکان که بخواهد از نیروی نظامی استفاده کند، استراتژی که تا زمانی مؤثر است که ناگهان مؤثر نباشد- یا به دنبال راهبردهای دیپلماتیک و سیاسی بر اساس فرضیات قدیمی درباره فلسطینی‌ها و قدرت‌های منطقه‌ای است.

استراتژی اول: محدودیت‌های یک صلح اسرائیلی

یک «صلح اسرائیلی» احتمالاً دوام چندانی نخواهد داشت. دراماتیزه شدن رویدادهای اخیر- بمباران دوحه در سپتامبر، سیکنال‌های متناقض درباره اشغال کامل غزه بدون اعلام صریح، صحنه‌های هولناک از غزه در جولای، جنگ کوتاه ژوئن میان اسرائیل و ایران و دیپلماسی جدی در مورد کوچ فلسطینی‌ها به مناطق جنگی دور- نباید دید ما را از یک سری رویدادهای روزمره‌تر و اخیر که جمعا تصویری دقیق‌تر از مسیر فکر استراتژیک غالب اسرائیل ارائه می‌دهند، منحرف کند. زمانی که اسرائیل دو سال پیش حمله خود به غزه را آغاز کرد، برای ناظران متحیر باید از همان ابتدا روشن می‌شد که برنامه‌ریزی پس از جنگ و اداره غزه از اولویت‌های رسمی این کشور نیست: این نبود بی‌توجهی یا تعلل نبود که منجر به مقاومت در برابر برنامه‌ریزی روزهان شد، بلکه درک این بود که اسرائیل از همان ابتدا در جبهه غزه درگیر جنگ همیشگی است و فلسطینیان دیگر نباید توسط نهادهای ملی اداره شوند، بلکه فقط از طریق ترتیبات محلی موقتی و در مواقع ضروری مدیریت شوند.

براساس این خط فکری، اسرائیل چراهی نداشت جز آنکه توانمندی‌های نظامی و اطلاعاتی عظیم خود را به تسلط استراتژیک مداوم تبدیل کند. جنگ همیشگی از این رو منطقه‌ای است: در حالی که اکنون عمدتاً در غزه به نمایش گذاشته می‌شود، به صورت متناوب در کرانه باختری، لبنان، سوریه و ایران نیز جریان دارد. در جبهه فلسطینیان، رویکرد جدید قابل انکار نیست: تلاش‌ها برای تعامل با فلسطینیان به‌عنوان یک جامعه ملی کنار گذاشته شده و به جای آن، جامعه فلسطینی به اجزای پراکنده تقسیم شده است، هرچند دیپلماسی بین‌المللی گاهی تلاش می‌کند چشم بر آن ببندد. اسرائیل به‌طور آشکار نه تنها حماس بلکه تشکیلات خودگردان فلسطین، اردوگاه‌های پناهندگان و سازمان‌ها و مسئولان سازمان ملل را با مجموعه‌ای از ابزارهای نظامی، بوروکراتیک و دیپلماتیک هدف قرار داده است. با اقدامات نظامی دو سال گذشته، اسرائیل از دید جناح پیروزی‌طلب به نقطه‌ای رسیده است که می‌تواند نظم منطقه‌ای جدیدی ایجاد کند، شاید مشابه وضعیت پس از جنگ جهانی دوم در اروپا. نکته قابل توجه در این چشم‌انداز آن است که با وجود همه جاه‌طلبی‌های آن، ادامه آن به ترکیبی

طوفان الاقصی ۲ سال بعد

بدون روتوش

محمد محسن فایضی

کارشناس مسائل فلسطین

امروز دومین سالگرد آغاز عملیات طوفان الاقصی با پیام صوتی سحرگاهی شهید محمد ضیف است. در این دو سال لیست بلند بالایی از تحولات و اتفاقات را شاهد بودیم که هر کدام از آنها برای چندین سال تأثیرگذاری کافی بود. بواسطه سالروز دوم ۷ اکتبر، دوباره مسائل و سؤالات حول طوفان و پیامدهایش مطرح و بازنشر می‌شود. ۷ اکتبر ۲۰۲۳ هم مانند بسیاری از تحولات سیاسی، اقتصادی و... می‌تواند روایت، زاویه دید و تفاوت نتیجه از حتی پیش‌فرض‌های مشترک میان افراد و فعالان آن حوزه داشته باشد. این اختلاف برداشت‌ها ناشی از تفاوت جهان بینی و نگرش، تفاوت توصیف وضعیت‌ها و همچنین درک از اهداف است و کاملاً طبیعی است و راه آن هم گفت‌وگوست. اما چرا یک فلسطینی طوفان الاقصی را رقم زد؟ برای پاسخ به این سؤال باید نگاه و تصویری دقیق از ۶ اکتبر ۲۰۲۳ داشت. مقاومت فلسطین با استفاده از عنصر غافلگیری عملیاتی را آغاز کرد که هدف اول آن برخلاف برخی فضاسازی‌ها-نه از موضع قدرت و ضربه نابودی اسرائیل، بلکه برای بقا بود. فلسطین و مقاومت فلسطین ۷ اکتبر را در وضعیتی که خود را در آستانه رسیدن به مرحله پایانی مرگ تدریجی می‌دید، رقم زد. این گونه که از صحبت‌ها و رفتار مجریان ۷ اکتبر متوجه می‌شویم، طوفان الاقصی اقدامی پیش‌دستانه با هدف تعلیق در روند و پروژه فلسطین و منطقه‌ای دشمن بود.

وضعیت انسانی و محاصره نوارغزه و بن‌بست در تبادل اسرا دلایلی مهم اما حداقلی اقدام طوفان بود. مهم‌ترین دلیل اتخاذ طوفان از سوی حماس و طراحی



یک جنگ بزرگ علیه مقاومت فلسطین و لبنان همراه با ترور رهبران آن در سایه فراموشی مسأله فلسطین در جهان بود. این حمله قرار بود مقدمه اجرایی شدن تطبیع بزرگ که تا پایان ۲۰۲۳ اجرایی می‌شد، باشد. حماس و مقاومت فلسطین خود را در وضعیتی می‌دید که اگر بازی جدیدی را شروع نکنند، با یک حمله بزرگ در سایه تطبیع ۹۰ درصد جهان اسلام هم‌گام با سعودی با تل‌آویو روبرو می‌شود و در بن‌بست بزرگ و سخت گیر می‌کند.

به‌رغم دو سال کشتار و جنایات، ما می‌بینیم که اکثر مردم غزه و جامعه آن با مقاومت همراهی می‌کنند.

استراتژی دوم: بازگشت نوستالژیک به اسلو

در حالی که فجایع ۷ اکتبر برجسته هستند، بیشتر منتقدان داخلی تمایل کمی به تکیه صرف بر برتری نظامی دارند. منتقدان به دنبال راهی برای مدارا با فلسطینیان و نه صرفاً سرکوب آنها هستند، چیزی که امروز در قالب رویکردی صلح‌طلبانه ارائه می‌شود. از این نظر، این رویکرد در نگاه اول ممکن است به ابتکار صلح عربی یک‌ربع سده گذشته شبیه باشد (که در ازای راه‌حل دو دولت، عادی‌سازی کامل پیشنهاد می‌داد). اما یک نکته مهم وجود دارد: بیشتر بحث‌ها شامل پیشنهادهای مبهم درباره آینده است و نه تعهد واقعی و ملموس به موجودیت دولت فلسطینی.

اما دیپلماسی و سیاست‌هایی که بر این اساس ارائه می‌شوند، بیشتر بر پایه امیدها



و نه برنامه‌های واقعی استوارند. با دقیق‌تر، بر واقعیت‌هایی بنا شده‌اند که دیگر وجود ندارند. ایده شراکت‌های امنیتی منطقه‌ای در ماه‌های اخیر بخش زیادی از پایه و اساس خود را از دست داده است، دستاوردهای نظامی اسرائیل در حال حاضر به گونه‌ای در تفکر استراتژیک به کار گرفته شده‌اند که می‌تواند هم میول‌کننده و هم تهبی باشند: این پیروزی‌ها یا نیازمند جنگ مداوم هستند یا نیازمند سازش واقعی‌های امروز ترجیح می‌دهند، اما هرچقدر هم که مشکل ساز باشد، بحث درباره استراتژی اسرائیل پیامدهای گسترده‌ای دارد. برای ایالات متحده، این مسأله‌ای که می‌توان چنین مطرح کرد: «چه مدت دیگر باید به حمایت از بن‌بست ادامه دهیم، بن‌بستی که برای همه ذی‌نفعان به وضوح غیرقابل تحمل است»

وقتی بحران کنونی فروکش کند، دیپلماسی ممکن است صرفاً به گفتارهای ساده‌ای بازگردد که دهه‌ها برای پنهان کردن شکست دیپلماتیک و بی‌عملی مطرح شده‌اند: اجتناب‌ناپذیری راه‌حل دودولتی، چنین گفتاری نه با دیپلماسی جدی بلکه تنها با ایده کنجاکو که چون چیزی خوب است، باید رخ دهد و اینکه واقعیت‌های سخت پایدار نیستند، پشتیبانی می‌شود.

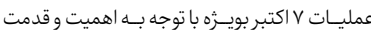
زمانی که اسرائیل دو سال پیش حمله خود به غزه را آغاز کرد، برای ناظران متحیر باید از همان ابتدا روشن می‌شد که برنامه‌ریزی پس از جنگ و اداره غزه از اولویت‌های رسمی این کشور نیست



یک دلیل آن وضعیت زندگی پیش از ۷ اکتبر است. وائل حدوح یکی از خبرنگاران مشهور الجزیره در غزه بود که پس از مجروح شدن و شهادت پسرش و برخی از اعضای خانوادهاش نوارغزه را ترک کرد. او در پاسخ به سؤال خبرنگار سسی‌ان که از او پرسید آیا آرزو نمی‌کردی کاش ۷ اکتبر هیچ‌گاه اجرایی نمی‌شد، می‌گوید: این تحریف واقعیت است، پیش از این هم زندگی خوش خرم و آرامی نداشتیم و اواسرع می‌کند زندگی پیش از ۷ اکتبر را توضیح می‌دهد.

اما از زاویه دیگری که حول ۷ اکتبر بحث می‌شود، تحولات پس از طوفان الاقصی است. از دست دادن عزیزان و مجاهدین بزرگی چون شهیدان القدس نصرالله، هنیه، ضیف، حاج رمضان، حاجی زاده و... این سؤال را مطرح می‌کند که آیا می‌ارزید؟ باید گفت این سؤال یک مسأله غیر دقیق است. پاسخ به شرایط پس از ۷ اکتبر با ده‌ها اما و اگر روبه‌روست. به طور مثال فرض کنید داستان پیچرها که اقدامات نفوذ آن پیش از ۷ اکتبر هم رخ داده بود، رخ نمی‌داد. شاید بتوان گفت بسیاری از تحولات بعد از آن مثل ترور سید عزیز، سقوط سوریه، حمله مستقیم به ایران و... رخ نمی‌داد و شاید وضعیت متفاوتی بود و آنگاه توصیف ارزیدن ۷ اکتبر متفاوت می‌شد. شیخ نعیم قاسم در گفت‌وگویی فاش کرد که طرح حمله بزرگ به لبنان پیش از ۷ اکتبر در ارتش اسرائیل تصویب و در مرحله اجرایی شدن بوده است. با همچنین گزارش‌های مختلف نشان می‌دهد که طرح حمله هوایی جنگ تمام عیار به ایران یا فروپاشی سوریه توسط جولانی بیش از ۷ اکتبر طرح‌ریزی شده بود.

۷ اکتبر ۲۰۲۳ گامی از صدها گام و اتفاقات مسیر پر فراز و نشیب مبارزات مردم جبهه حق علیه جبهه استکباران در طول تاریخ بوده است که پر از دستاوردها و البته فداکاری و هزینه‌هاست. ان‌شاء‌الله با فداکاری و ایستادگی ملت فلسطین، نظم جدید منطقه‌ای با بقا و خروش بزرگ جبهه حق علیه ظلم در سال‌های آتی تحقق خواهد یافت.



ایران چطور می بیند؟

اگر فراتر از این بحث ها به پیامدهای عملیات لاکتبر برای ایران نگاه کنیم، به نظر می رسد که هرچند این عملیات تا حدی نواقص و آسیب پذیری های دستگاه های نظامی و امنیتی اسرائیل را روشن کرد و بار دیگر اسطوره شکستناپذیری اسرائیل را با تردید مواجه ساخت اما برای محور مقاومت هم پیامدهایی به همراه داشته است.

شاید مهم ترین پیامد عملیات ۷ اکتبر این باشد که آشکار شد برداشت ها و تلقیات دربار اسرائیل و عملکرد سیاستمداران و نظامیان ایرانی تا زمان تا حدودی قدیمی شده است.

در حالی که اسرائیل ارتش و دستگاه های امنیتی خود را بعد از جنگ بازسازی کرده بود، بررسی عملکرد زیره های نظامی و امنیتی اسرائیل در غزه و نوع مواجهه این رژیم با ایران نشان می دهد که وضعیت آن را قبل

جنگ ۱۲ روزه با ایران نیز یکی از پیامدهای عملیات ۷ اکتبر و سیاست‌های متجاوزانه اسرائیل بود. ترکیب استفاده از نیروهای نظامی، فناوری‌های نوین و فعالیت‌های اطلاعاتی در سطح بالا نشان می‌دهد که این اقدامات یکباره صورت نگرفته، بلکه مبتنی بر دوره‌ای قابل توجه از برنامه‌ریزی و پیش‌نویس‌ها و آمینیتی و در چهارچوب یک کشوری بزرگ‌تر بوده است. به نظر می‌رسد تمامی این تغییرات ریشه در تحول ادراک اسرائیل از تهدیدات منطقه‌ای و بحران مفهوم امنیت در آن رژیم پس از ۲۰۰۶ داشته باشد.

اسرائیل در سال‌های اخیر نزاع عربی-اسرائیلی را به نزاع ایران-اسرائیلی تبدیل کرده است. اعراب از گذشته دنبال فریب و دولتی‌هاست. اسرائیل ۱۸۱ شورای امنیت بوده است. اکنون اهداف خود را به توسعه اقتصادی تبدیل کرده است. در چهارچوب این رویکرد، قراردادهای مهم اقتصادی و تجاری و مجموعه‌ای از قراردادهای نظامی و امنیتی با آمریکا، و حتی چین شکل گرفته است. بنابراین ایران و روسیه هیچ شانس حقیقی ندارند. در وضعیت حسیتم که باید زمین خودمان را

از مجموعه‌های دولتی

آگهی مناقصه عمومی

(دومرحله‌ای)

شماره مناقصه	موضوع مناقصه	مبلغ سپرده شرکت در مناقصه
۶۸۲۰۷/۷۱۳۵۳/۵۴-۵۴	وینچ و تملقات باز و بست دو عدد درب داک	۲۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

• ارائه معرفی‌نامه کتبی توسط نماینده شرکت جهت دریافت اسناد مناقصه و نیز ارائه اسنادنامه آگهی تاسیس، آگهی آخرین تغییرات، کپی کارت ملی اعضای هیأت مدیره و مدیرعامل، ارائه گواهی مالی ۲ سال اخیر، فعالیت‌ها و رزومه شرکت جهت شرکت در مناقصه الزامی می‌باشد.

• **شرایط اختصاصی کلیه مناقصه‌ای می‌باشد:**

۱- دارای جایگاه حقوقی بوده و تأیید صلاحیت مربوطه را داشته باشند. ۲- دارای توانایی مالی و فنی باشند. ۳- دارای حسن سابقه مرتبط باشد ۴- دارا بودن گواهی نامه سمت و با الزام به اخذ ن

• **محل و مهلت فروش و نحوه دریافت اسناد:** از تاریخ ۱۳۰۴/۰۷/۱۴ تا ۱۳۰۴/۰۸/۰۴ ساعت ۸ تا ۱۵ - به آدرس: تهران - خیابان پاسداران - بالاتر از سفراه اختیاریه - سازمان صنایع دریایی دفتر انتظامات - تلفن: ۰۲۱۲۲۷۷۴۱۰۸ فکس: ۰۲۱۲۲۷۷۱۳۵۶

• **مهلت عودت و تحویل پیشنهادها:** از زمان دریافت اسناد تا تاریخ ۱۳۰۴/۰۸/۰۴ ساعت ۱۰ صبح

• **مبلغ فروش اسناد مناقصه** ۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال و اریز به حساب ۰۵۲۱۹۱۱ به نام گروه صنایع شهید همتی بانک سپه شعبه شهید چمران شاخص ۱۱۷۲ به نام گروه صنایع شهید همتی سایر شرایط و استانداردها و گواهی‌نامه‌های لازم در اسناد مناقصه اعلام شده است.

آگهی مزایده عمومی فروش سهام

شرکت سرمایه‌گذاری توسعه پیشرو رفاه پردیس

بانک رفاه کارگران
BEFAH KARGARAN BANK

شماره ۱۴۰۴/۰۲

مجموعه بانک رفاه کارگران در نظر دارد نسبت به فروش ۱۰۰ درصد سهام شرکت سرمایه‌گذاری توسعه پیشرو رفاه پردیس به تعداد ۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ سهم به ارزش ۱۹,۸۷۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال از طریق برگزاری مزایده عمومی به اشخاص حقیقی و حقوقی ذیصلاح اقدام نماید. متقاضیان خرید سهام مزبور می‌توانند از تاریخ انتشار این آگهی حداکثر تا پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۰ با در دست داشتن معرفی‌نامه کتبی مشتمل بر درج شماره شناسه ملی (اشخاص حقوقی) به‌همراه کد ملی (اشخاص حقیقی) در ساعات اداری به اداره سرمایه‌گذاری و امور مجامع شرکت‌ها بانک، به آدرس: تهران، بلوار کشاورز، رو به روی بیمارستان پارس، ساختمان بانک رفاه کارگران، اداره سرمایه‌گذاری و امور مجامع شرکت‌ها بانک مراجعه و اسناد مزایده را دریافت نمایند. (شماره تماس: ۰۲۱۴۱۳۷۳۳۱۰).

شرایط شرکت در مزایده:

۱- ارزش پایه معامله و شرایط پرداخت ثمن معامله به شرح جدول ذیل به اطلاع متقاضیان می‌رسد.

نام شرکت	سرمایه‌گذاری توسعه پیشرو رفاه پردیس
سرمایه ثبت شده	۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
تعداد سهام قابل واگذاری	۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
قیمت پایه کل سهام قابل واگذاری	۱۹,۸۷۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
مبلغ سپرده شرکت در مزایده	۱,۵۸۹,۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰
شرایط واگذاری ^(۱)	تقد و اقساط به صورت ۸۰ درصد نقد و الباقی اقساط ۳ ماهه طی ۳ سال با نرخ ۲۳ درصد سالانه

^(۱) قیمت اعلامی، قیمت پایه بوده و اولویت واگذاری به ترتیب:

- ۱- با خریدارانی است که متقاضی خرید نقدی بوده و قیمتی بالاتر از قیمت پایه را پیشنهاد نمایند.
- ۲- با خریدارانی است که حصه نقدی بیشتر و قیمتی بالاتر از قیمت پایه را پیشنهاد نمایند.

۳- سپرده شرکت در مزایده معادل ۱۰ درصد ارزش حصه نقدی ثمن معامله می‌باشد که می‌بایستی به صورت وجه نقد واریزی به حساب شماره ۵۰۰۰۰۱۴ به نام اداره حسابداری نزد شعبه پردیس بانک رفاه کارگران یا ضمانت‌نامه بانکی معتبر، غیر از بانک رفاه کارگران با اعتبار سه ماهه به صورت عندالمطالبه قابل تمدید و بی قید و شرط ارائه گردد. حق فروشنده جهت بررسی، قبول یا رد و درخواست اصلاح متن ضمانت‌نامه در مهلت محدود، محفوظ و متقاضی مکلف به رعایت آن است.

۴- متقاضیان می‌بایست پیشنهادات خود را نسبت به کل سهام عرضه شده، حداکثر تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۳ به نشانی اعلام شده فوق تحویل و رسید دریافت نمایند. بدیهی است به پیشنهاداتی که بعد از موعد مقرر واصل گردد ترتیب اثر داده نخواهد شد.

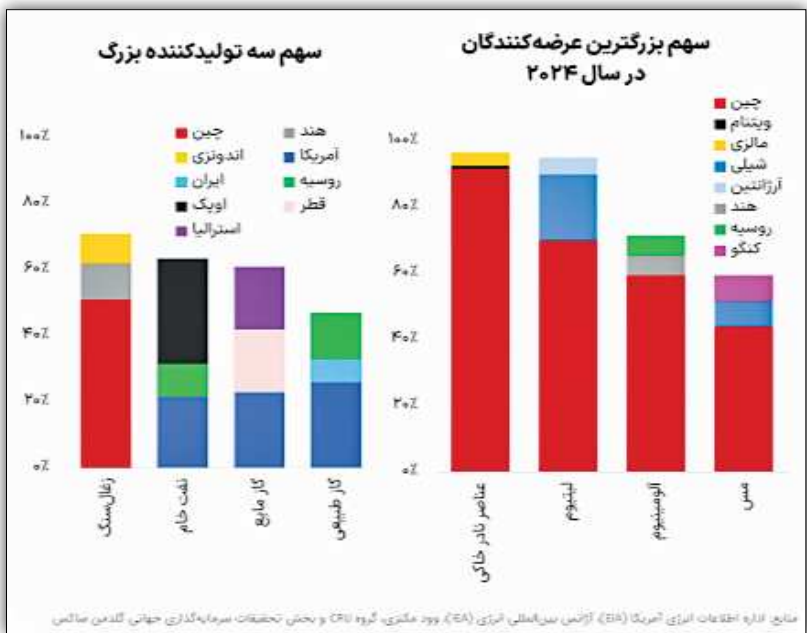
۵- شرکت در مزایده به معنی اطلاع و آگاهی کامل متقاضی نسبت به شرایط شرکت بوده و خریدار با شرکت در مزایده کلیه اختیارات خصوصاً خیار غبن ولو فاحش را از سوی خود سلب و اسقاط می‌نماید.

۶- چنانچه برنده مزایده ظرف مهلت مقرر از تاریخ ابلاغ توسط مزایده‌گذار نسبت به امضای قرارداد تدوین شده توسط حوزه حقوقی بانک و پرداخت بخش نقدی ثمن معامله و ارائه اسناد تضمین اقدام ننماید، هیچ‌گونه ادعایی نسبت به سپرده شرکت در مزایده نخواهد داشت و مزایده‌گذار می‌تواند ضمانت‌نامه بانکی ارائه شده را به نفع خود ضبط نماید.

۷- باکت‌های مزایده در ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۳۰ در سالن جلسات بانک واقع در تهران، خیابان ولیعصر (عج)، نرسیده به میدان ونک، ساختمان بانک رفاه کارگران مفتوح خواهد گردید. حضور پیشنهاد دهندگان یا نماینده قانونی آنان در جلسه با ارائه مدارک شناسایی یا معرفی‌نامه معتبر، مجاز می‌باشد. در جلسه مزبور صرفاً خریداران حائز رتبه‌های اول و دوم معرفی گردیده و برنده نهایی متعاقباً اعلام خواهد شد.

۸- استرداد سپرده شرکت در مزایده برنده دوم (وجه نقد/ضمانت‌نامه بانکی معتبر-وفق بند ۲) منوط به انعقاد قرارداد و تسویه کامل بخش نقدی ثمن معامله و دریافت اسناد تضمین از برنده اول مزایده می‌باشد. سپرده شرکت در مزایده سایر مزایده‌گران پس از برگزاری جلسه مزایده مسترد می‌گردد.

۹- فروشنده در رد یا قبول هر یک از کلیه پیشنهادات واصله مختار است.



تولید ناخالص داخلی (GDP) کشورهای جهان را محاسبه می‌کند. یک پکی دو دهه اخیر نشان داده است، تصویر جهانی شدن در سه قرن مختلف تفش می‌دهد. از آغاز قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، روند صنعتی شدن به افزایش شاخص کمک کرده بود. نیمه اول قرن بیستم در دوران جنگ‌های جهانی اول و دوم اختلال در تجارت کاملاً متوقف نمود. در ادامه از آغاز جنگ‌های سرد تا قبل از قیومی پیزد دو دوره در حال افزایش بوده است؛ یکی دهه ۱۹۷۰ که از جنگ سرد و رکود گریزی در غرب است؛ دیگری از سال ۲۰۰۸ با وقوع بحران مالی بزرگ و در ادامه از سال ۲۰۱۸ با تأثیرات رسمی جنگ تعرفه‌ای توسط دولت ترامپ. در دور دوم ریاست جمهوری خود با شتاب بیشتری به این مساله‌ها دانه زد و مهم‌ترین ضرورت‌های جهانی شدن (Slowbalization) حدود نین رخ خواهد افتاد.

افزایش می‌دهد. چنین رفتاری یک چرخه معیوب را ایجاد می‌کند و کشورها را به سوی تکرار این الگو سوق می‌دهد.

نمونه‌هایی از تمرکز کالایی در کشورها

آمریکا تا سال ۲۰۲۰ حدود ۲۰ درصد کالای مایع شده (LNG) معدنی تأمین کند. چنین تقابل در عرضه مواد معدنی حیاتی دارد و بیش از ۹۰ درصد استخراج مواد معدنی کمپاب را که برای هوش مصنوعی ضروری هستند در اختیار دارد. آمریکا از بزال سنگ، حدود دوسوم تریوم، ۶۰ درصد نیومیم و بیش از ۴۰ درصد مس جهان را نیز عرضه می‌کند. حدود ۵۰ درصد طریب را راسه کشور آمریکا، روسیه و ایران تولید می‌کنند. قریب به ۶۰ درصد نفت جهان را افعالی اوپک، هند و آمریکا عرضه می‌کنند.

تبدیل کامودینی به «سلاح» چه نتیجه‌ای خواهد داشت؟
چنین در حوزه‌های کم‌تنباز داخل حافظ با تولید می‌توانسته است
آمین شود، که ذخایر را به طور معمولی افزایش داده
است. مثلاً در حوزه انرژی در حدود صد درصد ذخایر نفت شده
باشناسایی را نشان می‌دهد و ذخایر گاز طبیعی نیز که قبلاً کمی
پیشتر از ۲۰۰ هزار باران باقی‌مانده بود اکنون بیش از ۱۰۰۰ هزار تقاضا را
پیشتر می‌دهد. از زمان تحویل شدن ۳۰ میلیارد دلار دارایی‌های
بانک مرکزی روسیه در سال ۲۰۲۲ به دنبال حمله به اوکراین،
پنک‌های مرزهای کشورهای همسایران خاطر ذخایر خود را بیش از
پنک‌های مرزهای کشورهای همسایران به عنوان تقاضای خود در شرایط
نرمال برای کامودیتی‌ها به چشم می‌نورز، که سکه‌ی دلار می‌گیرد.

ترامپ چگونه بر آن اثر گذاشته است؟

رشد شاخص تجارت آزاد جهان که سهم تجارت کالاها از

اقتصادی است. در چنین شرایطی، رئیس جمهوری در کاخ سفید نشتسده که در دور دوم ریاست جمهوری خود با این پیشروی علیه اهل دشمن کام برده‌است، با نادیده‌روند بلندمدت توجه به گام‌دینی‌ها به عنوان یک اسلحه تجاری را تقویت کرده‌است. اتفاقی که با ایجاد بی‌اعتمادی به اعتبار نهادهای آمریکایی که سابقاً طرفدار اهل دشمن بودند، از یک سو فشار برای کاهش سهم دلار از دارایی‌ها را رقم زد و از سمت دیگر نبیند جایگزین گافتی برای دلار، توجه به دلار گام‌های فیزیکی کنشده‌است. در هر دو سلسله، یعنی افت ارزش دلار و افزایش تقاضای استراتژیک باعث می‌شود گام‌دینی‌ها اهمیت ویژه‌ای برای آینده پیدا کنند. اقتصاد گام‌دینی‌ها منابع متعدد این را دارد، فرصتی خواهد داشت تا با این رقابت‌ها، پیاده‌های اهل کالا، بیوس تهران نیز به عنوان حلقی که بیش از ۶۰ درصد ارزش بازار را شرکت‌ها وابسته به گام‌دینی تشکیل می‌دهند به طور آشکار مستعد برهم‌زدن را این فضا است.

چه تغذیه‌ی در حال رخ دادن است؟

پایه این تحلیل را گزارش مفصلی از مؤسسه معتبر گلدمن ساکس می‌گذارد که بخش‌هایی از آن را بررسی می‌کنیم. سید داریایی سهام و اوراق بدهی در پارادایم رکود تورمی نبودند پوشش‌شده مناسبی باشند. این در مورد تورمی و دو حالت می‌تواند رخ دهد: یکی مشابه دهه ۱۹۷۰ و بعد از نهادهای آمریکایی یا خروج نیکسون از معاهده برتون و وودز خدشه‌دار به طلا به عنوان گزینه حفظ ارزش دارایی، پناهگاه سرمایه‌گذاران شد؛ دومه دورانی است که زنجیره تأمین با شوک سمت عرضه مواجه می‌شود، مثل حمله روسیه به اوکراین در ۲۴ تا ۲۵ فوریه ۲۰۲۲ که درصدها گزافاً روپا ناگهان افزایش یافتند. در این حالت، شوک‌های جدید موجب تضعیف تولید و کاهش تقاضا می‌شود و با اختلالی جدی مواجه شده. شرایط امروز جهان گویا در پارادایم را به هم دارد؛ از یک سو، اعتماد به نهادهای مهم آمریکا مانند فدرال رزرو در عصر ترامپ خدشه‌دار شده و سوی دیگر، تأمین نقدینگی کالاها یا به عبارتی بسیار متمرکز شده و آن را اهرمی قابل چابک‌سازی کرده است. مکتب‌گرایان عرضه‌کنندگان کالاها را به سبب افزایش قیمت‌ها و کاهش تقاضا مورد حمله قرار داده‌اند.

بماند و شوک‌های سمت عرضه خیلی شدید نباشد، اما از زمانیکه «چنانچه» مسیری معکوس در پیش گرفت در چهار مرحله، شاهد این‌ها باید به عنوان یک اهرم استراتژیک در رویاب بین الملل شناخته شدند.

انزولس کنه تولید: دولت‌ها تجزیه تأمین را با استفاده از تعرفه‌ها، سوسپندها و سرمایه‌گذاری‌های داخلی سازی و توسعه واردات را هر چا ممکن بود تکرار می‌کنند جایگزین کردند و هر چا ممکن نبود اقدام به ذخیره‌سازی کردند.

عرضه شدید: وقتی نیاز داخل برطرف شد، مازاد تولید به جهان صادر شد.

حذف تولیدکنندگان خرد: مازاد عرضه باعث افت قیمت کالاهای پایه شد و تولیدکنندگان با هزینه بالا از بازار خارج شدند و عرضه در دستان چند کشور متمرکز شد.

اهرم کالایی: کشورهای که نقش غالب در عرضه هر کالایی را دارند از آن به عنوان یک اهرم استفاده می کنند که ریسک اختلال در زنجیره تأمین، نوسان شدید قیمت ها و تورم را

روند جهانی شدن

بر اساس نسبت تجارت کالاها به تولید ناخالص داخلی (GDP)

منبع: بانک جهانی و بخش تحقیقات سرمایه‌گذاری جهانی گلدمن ساکس

تغییر یارادایم سرمایه‌گذاری جهان به سوی کالاهای چگونه متولد شد؟

فرصت «ترامپ دیوانه» برای بورس تهران

گزارش ●

بہزاد بہمن نژاد

دبیر گروه بورس

طلای جهانی در یک سال حدود ۵۰ درصد رشد کرده و قیمت مس به رکوردهای تازه‌ای دست یافته است. و قیمت مس به رکوردهای تازه‌ای دست یافته است. و قیمت مس به رکوردهای تازه‌ای دست یافته است.

آگهی فراخوان مزایده عمومی

نوبت دوم

شماره ۷-۱۴۰۴

شرکت توسعه و مدیریت بنادر و فرودگاه

منطقه آزاد قشم

شرکت توسعه و مدیریت
بنادر و فرودگاه منطقه آزاد قشم

موضوع: فراخوان فروش اقلام ضایعاتی
مبلغ پایه مزایده:

هشتاد و نه میلیارد و ششصد و بیست و هفت میلیون و پانصد و هفتاد و نه هزار و ششصد و بیست و چهار ریال	۸۹,۶۲۷,۵۷۹,۶۲۴	جمع کل آهن آلات و اقلام ضایعاتی
---	----------------	---------------------------------

محل اجرای موضوع مزایده: فرودگاه بین المللی قشم

مهلت دریافت اسناد مزایده: متقاضیان شرکت در مزایده می توانند از تاریخ ۱۲ / ۱۴۰۴ / ۰۷ تا پایان وقت اداری مورخ ۲۱ / ۱۴۰۴ / ۰۷ با مراجعه به سامانه ستاد ایران به آدرس الکترونیکی: eauc.setadiran.ir نسبت به دریافت اسناد اقدام نمایند.

مهلت و محل تسلیم پیشنهادات مزایده: متقاضیان باید پیشنهادات خود را تا ساعت ۱۴ مورخ ۱۴۰۴ / ۰۸ / ۰۴ در سامانه ستاد ایران بارگذاری نمایند.

زمان و محل تشکیل کمیسیون و بازگشایی پاکت ها: در تاریخ ۱۴۰۴ / ۰۸ / ۰۵ رأس ساعت ۱۵:۰۰ در دفتر مدیریت شرکت توسعه و مدیریت بنادر و فرودگاه منطقه آزاد قشم

تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار شرکت کننده در مزایده باید ضمانت نامه بانکی به نام شرکت توسعه و مدیریت بنادر و فرودگاه منطقه آزاد قشم با شناسه ملی ۱۰۸۶۱۵۰۶۱۲۵ به مبلغ ۴,۴۸۱,۳۷۸,۹۸۱ ریال (چهار میلیارد و چهار صد و هشتاد و یک میلیون و سیصد و هفتاد و هشت هزار و نهصد و هشتاد و و یک ریال) با ذکر عنوان مزایده تهیه و منضم به اسناد مزایده ارائه گردد. مدت اعتبار ضمانت نامه فوق از تاریخ آخرین روز تحویل پیشنهادات به مدت سه ماه و برای سه ماه دیگر نیز قابل تمدید می باشد. علاوه بر آن ضمانت نامه های بانکی باید طبق فرم های مورد قبول تنظیم شود ضمانت نامه بانکی از بانک های خصوصی و دولتی مورد تأیید بوده و ضمانت نامه های مربوط به مؤسسات مالی و اعتباری مورد تأیید نمی باشد. سایر توضیحات و شرایط هزینه انتشار آگهی مزایده و کلیه هزینه های مربوط به برگزاری مزایده فوق به عهده برنده مزایده می باشد.

سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مزایده مندرج است.

شرکت توسعه و مدیریت بنادر و فرودگاه منطقه آزاد قشم

صمیم الف-۱۱۰۴۰۴۰۴



اگهی مناقصه عمومی

شماره مناقصه: ۱۴۰۴-۰۷-۵۱



پروپانول

هیات امنای صرفه‌جویی ارزی در معالجه بیماران در نظر دارد خرید تعداد ۷۵۰ دستگاه سرم پمپ تولید داخل را از طریق مناقصه عمومی در مرحله‌ای به شرکت‌های واجد شرایط واگذار نماید.

تاریخ نفاذ اسناد مناقصه در سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت از ساعت ۸ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۹ از ساعت ۱۹ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۱

می‌باشد.

آخرین مهلت بازگاری پیشنهادات در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت حداکثر تا ساعت ۱۹ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۹ می‌باشد.

ضمانت‌نامه شرکت در مناقصه معادل ۱۳۲/۱۳۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی

محل دریافت اسناد: تالود از طریق سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی www.setadiran.ir به‌شماره فراخوان ۰۰۰۰۴۸-۲۰۰۴۰۵۳۳۰۰ می‌باشد.

لطفا برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۴۴۰۱۳۱۱ واحد مناقصات تماس حاصل نمایید.

پیک خانه مناقصات

[illegible][illegible][illegible]



آگهی تجدید مزایده عمومی



شهرداری اندیشه در نظر دارد به استناد مجوز شورای اسلامی شهر اندیشه نسبت به فروش اموال غیرمنقول ذیل از طریق تجدید مزایده عمومی به اشخاص حقیقی و حقوقی واجد شرایط به صورت نقد یا اقساط اقدام نماید:

- ۱- آگهی تجدید مزایده عمومی ۲۵ واحد تجاری طبقه دوم مجتمع اداری تجاری نور واقع در فاز ۳ اندیشه
مهلت و تاریخ دریافت اسناد مزایده: پایان وقت اداری روز پنجشنبه ۱۴۰۴/۷/۲۴
- ۲- آگهی تجدید مزایده ۱۹ واحد تجاری - طبقه اول مجتمع اداری تجاری نور- فاز ۳ اندیشه- بلوار آزادی
مهلت و تاریخ دریافت اسناد مزایده: پایان وقت اداری روز پنجشنبه ۱۴۰۴/۷/۲۴
- ۳- تجدید مزایده ۱۴ واحد تجاری - طبقه همکف- مجتمع اداری تجاری نور
مهلت و تاریخ دریافت اسناد مزایده: پایان وقت اداری روز پنجشنبه ۱۴۰۴/۷/۲۴

شرایط شرکت در تجدید مزایده عمومی شامل مبلغ فروش، تضمین شرکت در مزایده، مدارک لازم جهت دریافت اسناد، مهلت و محل دریافت اسناد، مهلت و محل تسلیم پیشنهادات و تاریخ و محل بازگشایی پیشنهادات در سامانه ستاد ایران (www.setadiran.ir) درج گردیده است.



بهرز کاویانی - شهردار شهر اندیشه



گزارش ویژه «ایران» از علل تأخیر در روند بازسازی ورزشگاه بزرگ پایتخت

۲ همت قفل «آزادی» را باز می‌کند

آمار

تاریخچه تغییرات ورزشگاه بزرگ آزادی

آرایش ظاهری به جای بازسازی

ایلپا بهزاد اول / مانند اکثر ورزشگاه‌های بزرگ و تاریخی جهان که هویت ورزش ملی یک کشور را شکل می‌دهند، ورزشگاه آزادی تهران نیز بارها با بازسازی روبه‌رو شده است؛ روند بازسازی ورزشگاه آزادی اما نه بر اساس پروژه‌های برنامه‌ریزی شده و توسعه‌طلبانه، بلکه برای رسیدگی به مشکلاتی بوده که بدیهیات مسابقات فوتبال را دچار مشکل می‌کند.

جارو، خاک اره و باران سیل‌آسا



در سال ۱۳۸۱ و پس از اینکه بارش شدید باران در جدال نیمه‌نهایی جام باشگاه‌های آسیا بین استقلال تهران و آتپانگ ال‌جی روی کیفیت زمین چمن تأثیر بسزایی گذاشت، مسئولان ورزش کشور فکری برای ترمیم چمن ورزشگاه و جلوگیری از انباشت آب درون زمین کردند که در دوره ریاست محسن مهرعلیزاده در سازمان تربیت بدنی کشور، شرایط چمن ورزشگاه با راه‌اندازی موتورخانه زیرزمین بهتر شد. در همان زمان بود که با صندلی‌گذاری در طبقه اول ورزشگاه به جای بلوک‌های سیمانی همیشگی، قدم بهتری برای رفع ایرادات ورزشگاه آزادی برداشته شد؛ اقدامی که اگرچه با کاهش ظرفیت ورزشگاه همراه بود، اما ورزشگاه آزادی را به شکل یک ورزشگاه شکیل و مناسب میزبانی‌های بین‌المللی درآورد.

صندلی‌گذاری آزادی



در سال ۱۳۹۵ و به دستور دولت وقت، پروسه صندلی‌گذاری در طبقه دوم نیز به طور کامل انجام شد تا ایران با ورزشگاه نوآزادی، آماده میزبانی از رقابت‌های مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۸ باشد. پس از این اتفاق، ظرفیت ورزشگاه به شکل گسترده‌تری کاهش یافت اما دیگر خبری از مشکلات حضور هواداران روی بلوک‌های سیمانی طبقه دوم نبود و ورزشگاه از لحاظ ظاهری نیز شکل بهتری به خود گرفت.

تغییر چهره در فینال لیگ قهرمانان



اما اولین اقدامات جدی برای بازسازی سازه و شرایط ورزشگاه، پیش از دیدار برگشت فینال لیگ قهرمانان آسیا بین کاشیما آنتلرز و پرسپولیس در سال ۱۳۹۷ انجام گرفت. تغییرات بخش جایگاه ویژه، اصلاحات در معابر، جایگزینی صندلی‌های قدیمی، اصلاح اتاق داوران، دبیرخانه کنفدراسیون آسیا، اتاق ناظرین، اتاق بررسی دوپینگ، کنفرانس خبری و محوطه میکسدزون و اصلاح پشت دروازه‌ها و دروازه‌های کنترل ورود تماشاگران، بخشی از تغییراتی بود که پیش از فینال لیگ قهرمانان آسیا در ورزشگاه آزادی صورت گرفت. مرحله جدید بازسازی، سال گذشته و پس از نمایان شدن مشکلات جدی در سازه ورزشگاه آغاز شد و از آن زمان تاکنون، این ورزشگاه قدیمی به شرایط قبلی خود بازنگشته است. بررسی بازسازی در سالین اخیر نشان می‌دهد مسئولان ورزش کشور به جای آنکه پروژه‌های ویژه برای تبدیل کردن بزرگ‌ترین سرمایه سخت‌افزاری ورزش کشور به یک ورزشگاه مدرن داشته باشند، صرفاً به دنبال رفع ایرادات ساختاری و بدیهی آن بوده‌اند و شاید با توجه به کهنه بودن سازه و برخی تأسیسات ورزشگاه، برای بازسازی بزرگ و پرهزینه مانند کاری که در ومبلی لندن یا برنابشو مادرید صورت گرفت، کمی دیر شده باشد.

گزارش

سینا حسینی / داستان بازسازی ورزشگاه سالخورده پایتخت به یکی از جنجالی‌ترین پرونده‌های ورزشی ایران تبدیل شده، تا جایی که حالا تمام دستگاه‌های اجرایی کشور برای به سرانجام رساندن آن وارد عمل شدند تا شاید این ابرپروژه ورزشی دوباره به بهره‌برداری برسد. اما این ورزشگاه و بازگشت آن به چرخه مسابقات مشخص نشده تا این پرسش برای افکار عمومی مطرح شود که در ورزشگاه آزادی چه خبر است؟ اصلی‌ترین علت طولانی شدن پروسه بازسازی ورزشگاه آزادی به مشکلات مالی و نبود بودجه مناسب و استاندارد برمی‌گردد! برابر بررسی‌های خبرنگار روزنامه ایران، مجموع بودجه بازسازی ورزشگاه بزرگ آزادی ۱۶۰۰ میلیارد تومان تعیین شده که با ریزش‌های انجام شده قرار بود این مبلغ در اختیار شرکت توسعه و تجهیز قرار گیرد تا آنها با تزریق بودجه به حساب پیمانکار، فرآیند بازسازی را پیش ببرند. اما در حال حاضر تنها یک چهارم این بودجه به پروژه تزریق شده که این عامل باعث کاهش سرعت بازسازی ورزشگاه شده است.

مشاهدات عینی نشان می‌دهد پروژه با سرعت کمتری نسبت به سال گذشته در حال اجراست، به گونه‌ای که سال گذشته حدود ۶۰۰ کارگر در پروژه ورزشگاه آزادی مشغول به کار بودند، اما به گفته برخی شاهدان عینی در حال حاضر تنها ۲۰۰ کارگر در ورزشگاه آزادی مشغول به کار هستند که گفته می‌شود این اتفاق به خاطر تزریق نشدن بودجه مناسب به پروژه است. البته در این مسیر مدیران شرکت توسعه و تجهیز در تلاشند تا با برگزاری جلسات هفتگی و آسیب‌شناسی آنی، موانع موجود در مسیر اجرای پروژه را برطرف سازند، اما به نظر می‌آید تا مادامی که بودجه کافی در اختیار پروژه قرار نگیرد، داستان به همین منوال ادامه پیدا کند.

برابر گزارش‌های منتشرشده توسط شرکت توسعه و تجهیز پروژه ورزشگاه آزادی نیز می‌توان به این باور رسید که اگر تجدیدنظری در نحوه تخصیص بودجه این پروژه صورت نگیرد، روند پیشرفت فیزیکی پروژه کندتر نیز خواهد شد و ممکن است زمان بهره‌برداری از آن به تعویق بیفتد. بررسی‌های خبرنگار «ایران» نشان می‌دهد مبلغ اولیه قرارداد بازسازی ورزشگاه آزادی ۱۹۲۳ میلیارد تومان بوده که برابر برآوردهای فعلی، با توجه به افزایش نرخ ارز و مشکلات اقتصادی، سقف پیمان‌ها و تعدیل رقم قراردادها برای پایان پروژه نیاز به ۳۲۶۰ میلیارد تومان است که این مبلغ فراتر از مبلغ اولیه قرارداد بازسازی است.

اما داستان عم‌انگیز مشکلات اقتصادی پروژه بازسازی ورزشگاه آزادی به اینجا ختم نمی‌شود. برابر اعلام شرکت توسعه و تجهیز، میزان پرداختی به پروژه در سال ۱۴۰۳، ۹۹۵ میلیارد تومان بوده است، اما در سال ۱۴۰۴ در کمال ناپاوری تنها ۲۶۵ میلیارد تومان به پروژه پرداخت شده که این موضوع باعث بروز مشکلات عدیده در پیشرفت پروژه شده است و باعث شده بحران مالی گریبان این ابرپروژه ورزشی را بگیرد. حالا پرسش کلیدی اینجاست که برای تکمیل پروژه بازسازی ورزشگاه آزادی چه میزان بودجه نیاز است؟ براساس پیش‌بینی کارشناسان و تحقیقات به عمل آمده از سوی شرکت توسعه و تجهیز و پیمانکار پروژه، برای اتمام این پروژه بزرگ ملی در شرایط کنونی نیاز به ۲ هزار میلیارد تومان بودجه است تا آنها بتوانند این پروژه را به پایان برسانند.

با در نظر گرفتن بودجه تخصیص یافته به پروژه تا به امروز، ۱۲۶۰ میلیارد تومان بابت بازسازی ورزشگاه آزادی پرداخت شده که این مبلغ تنها ۳۳/۱۶ درصد پیشرفت ریالی پروژه بوده و به واسطه آن ۴۵ درصد از پروژه پیشرفت کرده است. اما برای ۵۵ درصد باقیمانده همه چیز بستگی به تزریق بودجه دارد که باید دید آیا قفل بودجه ۲۰۰۰ میلیاردی برای پایان پروژه آزادی شکسته خواهد شد یا اینکه همچنان این ترازوی ادامه خواهد داشت.

اما یک پرسش مهم برای افکار عمومی مطرح است که چرا وزیر ورزش و جوانان با برگزاری مسابقات ورزشی حتی دیدارهای ملی در این ورزشگاه مخالفت کرد، در شرایطی که بسیاری از بازیکنان، مربیان و فوتبالیست‌ها با انتقاد از این تصمیم خواستار بازی در ورزشگاه آزادی هستند؟ احمد دنیامالی به این علت چنین

مبلغ اولیه قرارداد بازسازی ورزشگاه آزادی ۱۹۲۳ میلیارد تومان بوده که برابر برآوردهای فعلی، با توجه به افزایش نرخ ارز و مشکلات اقتصادی، سقف پیمان‌ها و تعدیل رقم قراردادها برای پایان پروژه نیاز به ۳۲۶۰ میلیارد تومان است که این مبلغ فراتر از مبلغ اولیه قرارداد بازسازی است

فرآیند بازسازی ورزشگاه آزادی با ۵ درصد هزینه ساخت یک ورزشگاه استاندارد نظیر لوسیل قطر در حال انجام است که از هر نظر برای ورزش کشور صرفه اقتصادی دارد و مقایسه آن با پروژه‌های مشابه بین‌المللی به هیچ وجه براساس عقلانیت و منطق نیست

عضو کمیسیون عمران مجلس:

خواستار تکمیل و افتتاح استادیوم تا پایان امسال هستیم



↑ طرح: حامد حسینی

البته آن هم باید پیگیری شود.» وی درباره چمن ورزشگاه افزود: «وزارت ورزش از این فرصت استفاده کرد تا چمن استادیوم را نیز به استانداردهای روز دنیا برساند تا در بازی‌های بین‌المللی بعدی دچار مشکل نشویم. چمن هیبریدی است، مقاومت بالایی در برابر سرما و گرما دارد.» صوفی درباره اعتبار باسازی توضیح داد: «مسئولیت برآورد اعتبار بازسازی استادیوم با شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی است. من درباره بودجه صحبت نمی‌کنم، زیرا مسئولیت تأمین اعتبار بر عهده شرکت توسعه و نگهداری اماکن ورزشی است و من نمی‌توانم در آن دخالت کنم. ما تنها روی موضوع بازسازی و تحویل فوری مجموعه تمرکز داریم.»

میلگرد های زنگ زده آن مشخص بود، ضروری بود. این فرسودگی امنیت تماشاگران را، بویژه در بازی‌هایی با حجم جمعیت زیاد، به خطر می‌انداخت و بنابراین بازسازی جزو اولویتهای وزارت ورزش قرار گرفت. اگر این بازسازی انجام نمی‌شد، امنیت هواداران به خطر می‌افتاد. جدای از بازسازی، زیباسازی، استانداردسازی و ترمیم تأسیسات، رختکن‌ها و سرویس‌های بهداشتی ورزشگاه نیز اهمیت داشت. از طرفی، ورزشگاه آزادی نماد بازی‌های ورزشی در ایران است و باید در حفظ و نگهداری آن کوشا باشیم. هرچند برخی معتقدند به جای بازسازی آزادی باید یک ورزشگاه دیگر ساخته می‌شد که

هم باشگاه‌ها و هم هواداران فوتبال مشتاق‌اند تا بازی‌ها، بویژه دربی، دوباره در استادیوم آزادی برگزار شود.» صوفی درباره جلسات آینده کمیسیون عمران توضیح داد: «معمولاً کمیسیون عمران مجلس برای اطمینان از روند اجرایی تصمیمات، پیگیری‌ها را در محل کمیسیون انجام می‌دهد تا کار تسریع پیدا کند و بنابراین برای این موضوع نیز جلسه دیگری برگزار خواهد شد که زمان دقیق آن هنوز مشخص نیست.»

عضو کمیسیون عمران مجلس با تأکید بر ضرورت بازسازی استادیوم آزادی گفت: «بازسازی استادیوم به دلیل فرسودگی شدید ستون‌ها و سازه‌های بتنی، که حتی

نیوکمپ را کلید زدند. در آمریکا نیز برای بازسازی ورزشگاه یونیورسیتی با ظرفیت ۱۰۰ هزار نفر، بودجه ۷۰۰ میلیون دلاری در نظر گرفته شد تا این ورزشگاه به شکل استاندارد بازسازی شود. با مقایسه این مبالغ با بودجه در نظر گرفته شده برای بازسازی ورزشگاه آزادی، این واقعیت نمایان می‌شود که فرآیند بازسازی ورزشگاه آزادی با ۵ درصد هزینه ساخت یک ورزشگاه استاندارد نظیر لوسیل قطر در حال انجام است که از هر نظر برای ورزش کشور صرفه اقتصادی دارد و مقایسه آن با پروژه‌های مشابه بین‌المللی به هیچ وجه براساس عقلانیت و منطق نیست.

مستولان به سراغ احداث ورزشگاه جدید می‌رفتند، قطعاً ورزشگاه جدید زودتر ساخته می‌شد تا طی شدن فرآیند بازسازی ورزشگاه پیر پایتخت! بررسی‌ها نشان می‌دهد فرآیند ساخت ورزشگاه جدید به مراتب برای ما گران‌تر از بازسازی ورزشگاه بود. به عنوان مثال، قطری‌ها برای ساخت ورزشگاه لوسیل مبلغ ۷۶۷ میلیون دلار هزینه کردند تا این ورزشگاه را برای برگزاری رقابت‌های جام جهانی ۲۰۲۲ آماده کنند. یا مدیران باشگاه بارسelونا برای بازسازی ورزشگاه نیوکمپ بودجه‌ای حدود ۱۰۵۷ میلیون دلار را در نظر گرفتند که با تزریق آنی، پروژه بازسازی

یادداشت کارشناس

امیرحسین بهرامی

مشاور پروژه بازسازی ورزشگاه آزادی

ضرورت بازسازی و استانداردسازی

مجموعه ورزشی آزادی، بویژه استادیوم آزادی، در طول سالیان گذشته همواره نماد ورزش ایران و یکی از بی‌نظیرترین مجموعه‌های ورزشی جهان بوده است؛ جایگاهی که سبب شده کنفدراسیون فوتبال آسیا و فدراسیون جهانی فوتبال (فیفا)، بارها بر اهمیت و ارزش این ورزشگاه تأکید کنند و آن را یکی از مقاصد اصلی برای برگزاری مسابقات مهم بدانند.

دسترسی‌های ویژه، ظرفیت بالا، موقعیت جغرافیایی مناسب و مقبولیت اجتماعی، از جمله عواملی است که باعث شده ورزشگاه آزادی همچنان در سطح بین‌المللی مورد توجه قرار گیرد.

با این حال، گذر زمان، فرسودگی تجهیزات و تغییرات در پروتکل‌ها و آیین‌نامه‌های جهانی فیفا و AFC، ضرورت بازسازی این مجموعه را بیش از پیش آشکار ساخت. تطبیق با استانداردهای روز جهان، دیگر انتخاب نبود، بلکه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر بود. همین ضرورت، آغازگر پروژه‌ای شد که اگرچه دشوار و پرهزینه است، اما در مقایسه با ساخت یک ورزشگاه جدید، منطقی‌تر، کم‌هزینه‌تر و سریع‌تر به نتیجه می‌رسد.

چالش ساخت یا بازسازی

منتقدان بسیاری در آغاز پروژه معتقد بودند بهتر است به جای صرف زمان طولانی برای بازسازی، به احداث یک ورزشگاه تازه اندیشید. اما مقایسه هزینه‌ها و امکانات نشان داد بازسازی آزادی، با وجود همه سختی‌ها، به مراتب مقرون به صرفه‌تر از ساخت ورزشگاهی جدید خواهد بود. علاوه بر آن، ورزشگاه آزادی همچنان هویتی ملی و نمادین دارد که حفظ و توسعه آن از منظر فرهنگی و اجتماعی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

نقش بودجه و اقتصاد

یکی از مهم‌ترین مسائل در این مسیر، تخصیص کافی و به‌موقع بودجه به پروژه است. بازسازی آزادی در شرایطی آغاز شد که اقتصاد کشور با تورم و چالش‌های مالی فزاینده روبه‌رو نبود. برآورد اولیه پروژه براساس بودجه مشخصی صورت گرفت که به تأیید سازمان برنامه و بودجه هم رسیده بود. اما شرایط خاص اقتصادی و تورم فزاینده، هزینه‌های پروژه را به شکل چشمگیری افزایش داد.

با این حال، وزارت ورزش و جوانان، شرکت توسعه و تجهیز و پیمانکار پروژه که از توانمندترین شرکت‌های داخلی محسوب می‌شود، تمامی تلاش خود را برای پیشبرد کار به کار گرفته‌اند. منظر منابع انسانی و تجهیزات کارگاهی، پروژه مشکلی ندارد؛ آنچه گره اصلی است، نظام تخصیص منابع مالی و تزریق به‌موقع آن است. روشن است که این مسأله بیش از آنکه به پیمانکار یا مجریان پروژه مربوط باشد، به تصمیمات کلان حاکمیتی وابسته است. امید می‌رود در آینده‌ای نزدیک بودجه مورد نیاز به شکل کامل و به‌موقع تأمین شود تا پروژه در مسیر زمان‌بندی پیش برود.

توقف مسابقات؛ تصمیمی کارشناسی

یکی دیگر از چالش‌های اساسی پروژه، انتقاد اهالی فوتبال و هواداران از عدم بهره‌برداری از مجموعه آزادی در زمان بازسازی است. اما باید واقع‌بین بود؛ برگزاری مسابقات فوتبال در زمان اجرای عملیات نه‌تنها امکان‌پذیر نیست، بلکه روند بازسازی را با مشکلات جدی مواجه می‌کند. تجربه نشان داده تنها ورود و خروج ماشین‌آلات کارگاهی با رفت‌وآمد تماشاگران، پیش‌تر ۶۶ روز پروژه را به تأخیر انداخته است. ادامه چنین روندی می‌توانست کل زمان‌بندی بازسازی را مختل کند. از همین رو، تصمیم وزیر ورزش و جوانان مبنی بر توقف برگزاری مسابقات در این مجموعه، اقدامی کارشناسی و منطقی بود که زمینه تمرکز پیمانکار بر اجرای کامل پروژه را فراهم ساخت.

چشم‌انداز آینده

اکنون تمام نگاه‌ها به آینده دوخته شده است. ورزشگاه آزادی نه‌تنها میراث ورزشی ایران است، بلکه در سطح بین‌المللی نیز اعتبار ویژه‌ای دارد. اگر تأمین بودجه، متناسب و به‌موقع صورت گیرد، می‌توان انتظار داشت این مجموعه در موعد مقرر به بهره‌برداری برسد و در سطحی استاندارد، حرفه‌ای و شایسته مردم شریف ایران بازگشایی شود. بی‌تردید بازگشایی آزادی پس از بازسازی، نقطه عطفی در ورزش ایران خواهد بود. مجموعه‌ای که پس از سال‌ها، بار دیگر در قامت یک ورزشگاه مدرن و استاندارد، پذیرای رویدادهای مهم بین‌المللی خواهد شد و می‌تواند نه‌تنها نیازهای ورزشی کشور، بلکه بخشی از نیازهای فرهنگی و اجتماعی جامعه را نیز پاسخ دهد. این مهم اما تنها در سایه همکاری دستگاه‌های مسئول، تخصیص به‌موقع اعتبارات و تداوم عزم جدی برای تکمیل پروژه محقق خواهد شد.





گذار از تراژدی به وجدان

نگاهی به زندگی و آثار **ایوان کلیما** که در ۹۴ سالگی درگذشت



یاد

علیرضا پیروان

نویسنده و منتقد ادبی

زندگی ایوان کلیما در تقاطع دو پدیده بزرگ سده بیستم یعنی هولوکاست و تجربه حکومت کمونیستی در چکسلواکی شکل گرفت؛ تجربه‌هایی که نه فقط بر زیست فردی‌اش تأثیر شگرف داشت، بلکه بدل به بستر اصلی تخیل ادبی و تأمل اخلاقی او شد.

در کودکی، کلیما به همراه خانواده مدت سه سال و نیم را در اردوگاه ترزینشتات گذراند؛ تجربه‌ای تلخ که ریشه‌های بسیاری از پرسش‌های او درباره مرگ، وجدان، مقاومت و حیات انسانی را شکل داد. او پس از جنگ، در دانشکده هنرهای دانشگاه چارلز-پراگ در رشته زبان و ادبیات چک تحصیل کرد و سرانجام وارد فضای ادبی و فرهنگی شد. کلیما در دهه‌های پس از جنگ به کمونیسم امیدوار بود، اما به مرور به سرکوب، بیگاری فکری اجباری، سانسور و فشار سیاسی مواجه شد. سال ۱۹۶۷،

در یک سخنرانی علنی، نظام سانسور و سرکوب را نقد کرد و از حزب کمونیست اخراج شد. پس از حمله شوروی به چکسلواکی در سال ۱۹۶۸، روند اصلاحات «بهار پراگ» که با هدف گشایش سیاسی و آزادی فرهنگی آغاز شده بود، متوقف و معکوس شد و حکومت به سیاست‌های سرکوب و سختگیری بازگشت. کلیما و بسیاری از نویسندگان هم‌دوره‌اش ناچار شدند برای گذران زندگی به کارهای پیدی مثل کارگری ساده، تعمیرات یا حتی رفتگری روی بیاورند تا زنده بمانند، در حالی که اندیشه و قلم‌شان زیر فشار سانسور خاموش نگاه داشته می‌شد. آثار کلیما ممنوع شد، اما صداقت اخلاقی و التزام به وجدان در او سبب شد که حتی در شرایط محرومیت نیز به نوشتن و نشر زیرزمینی آثارش ادامه داد و از موضع روشن خود دفاع کرد. تنوع ژانری کلیما نشان‌دهنده وسعت ذهنش بود؛ او نه فقط یک رمان‌نویس، بلکه نمایشنامه‌نویس، مقاله‌نویس و نویسنده آثار کودکان نیز بود. کلیما با تسلط ساختن تجربه زیستی توانست روایت‌هایی خلق کند که نه فقط تاریخ را بازتاب دهند، بلکه زمان شخصی را نیز تنفس کنند. این هم‌پوشانی سبب

می‌شود خواننده هم در زمان عمومی تاریخ حضور یابد و هم در فضا‌های ذهنی شخصیت‌ها. او تصویر زمان تاریخی و لحظات زیست فردی‌اش را همزمان به مخاطب خود عرضه کرد. تأثیر تجربه زیسته و تراژدی تاریخی بر شخصیت‌های او آشکار است؛ شخصیت‌هایی که خود جهان ادبی کلیما نه صرفاً اجتماعی یا سیاسی، بلکه «انسان‌شناختی» است و مرکز ثقل آن رابطه انسان با انسان، انسان با خود، و انسان با وجدان است. کلیما رفت، اما پرسش‌هایش هم زنده و هم ماندگارند. همانگونه که او خود جایی گفته بود، آنچه مهم است «زندگی با مرگ است؛ هیچ چیز دیگری اهمیت ندارد.»

با این مقدمه، باید بگویم که در آثار کلیما نه صرفاً داستانی روایی یا ادبیات زیباست که تنفس می‌شود، بلکه «طنین وجدان» است که در لایه‌ای سطور گریبان خواننده را می‌چسبد و به موضع‌گیری اخلاقی می‌کشد.

چگونه کلیما زبان مقاومت را آفرید
یکی از نقاط قوت برجسته کلیما این است که از زیبایی‌شناسی پیچیده یا زبان فاخر



می‌گیرزد و با زبانی نسبتاً ساده، روشن و به روز به بیان معانی فلسفی و اخلاقی می‌پردازد. این رویکرد، باعث می‌شود خواننده به سرعت جذب شود و در عین حال از عمق معنا باز نماند. از این رو، آثار او نمونه روایت مقاومت با زبان عامه‌فهم است، اما آنچه در زبان ساده او شگفت‌انگیزی می‌نماید، همان بیار معنایی گران و تراکمی است که در ظاهری عادی نهفته است: خاطره، وجدان، گناه، شک، امید، تنهایی، عشق، و مرگ. همه اینها

در مجال چند جمله یا پاراگراف جان می‌گیرند. این مهارت در مناسبت‌های روزمره در نمایش‌های او نیز دیده می‌شود، جایی که گفت‌وگوهای ساده زوایای پنهان شخصیت‌ها را می‌گشاید. استفاده از زبانی عامه‌فهم و در عین حال معنامند سبب می‌شود که آثار کلیما نه صرفاً برای نخبه‌ها، بلکه برای خواننده عام نیز قابل دسترسی باشد، بدون آنکه از عمق ادبی متن کاسته شود.

اخلاق، وجدان، گناه و بخشش

یکی از کانون‌های فکری آثار کلیما، پرسش از «وجدانی که در شرایط سخت چه می‌کند» است. در جهانی که آدمی



کلیما در آثارش همواره انسان را میان «ظرفیت گناه‌ورزی» و «امکان بخشش» قرار می‌دهد؛ انسانی که هم گناه می‌کند، هم امید دارد، هم مبهوت است و در نهایت به پیمان اخلاقی خویش رجعت می‌کند



مجبور است با سرکوب، انتخاب‌های ناشناخته، فشار قدرت و تناقض مواجه شود، چگونه باید اخلاق را زنده نگه داشت؟ این پرسش در «قاضی در محاکمه» (۱۹۹۱) به شکل آشکاری ظاهر می‌شود: داستانی پیرامون یک قاضی که در جامعه‌ای که خواستار مجازات مرگ است، به مخالفت با آن برمی‌خیزد. او درگیر این تعارض اخلاقی است: آیا جامعه‌ای حق دارد علیه کسی حکم اعدام صادر کند؟ و قاضی که خود در

تقابل با آراء عمومی قرار می‌گیرد، چه وضعیتی دارد؟ روایت داستانی این اثر، که می‌توان آن را به عنوان نمونه برجسته‌ای از ادبیات حقوقی-اخلاقی در دوره استبداد قلمداد کرد، فضایی خفه‌کننده می‌سازد و خواننده را وارد معرکه وجدان می‌کند: اخلاقی، قانون، جامعه، فرد و مقاومت در هم آمیخته می‌شوند؛ نه در تقابلی ساده، بلکه در درگیری پیوسته‌ای که خواننده را به تأمل وامی‌دارد.

در «عشق و زباله» (۱۹۸۶)، که یکی از آثار تأثیرگذار کلیماست، نیروهای اخلاقی و انسانی در مواجهه با تحقیر، تنهایی، فروپاشی شخصیتی و فشارهای اجتماعی بروز می‌یابند. در این رمان، کلیما به نمادهایی چون زباله، زندگی زیرزمینی، آوارگی ذهنی، رابطه نویسنده با جامعه و مقاومت اخلاقی می‌پردازد. این اثر را می‌توان به مثابه یک نماد واحد اما پیچیده انسان در شرایط سرکوب قلمداد کرد. قهرمان داستان مجبور می‌شود رفتگری کند. نمادی سمبلیک از اینکه انسان در محیطی فاسد چه نسبتی با آن پیدا می‌کند. داستان در قالب اول شخص روایت می‌شود، از زندگی یک نویسنده تبعیدشده یا ممنوع‌النشر که مجبور می‌شود در شهر پراگ زباله جمع کند تا زنده بماند. این موقعیت نمادین است؛ اما در همین جمع‌آوری زباله است که صدای انسان، خاطره، امید و مقاومت بازتولید می‌شود.

«قرن دیوانه من» (۲۰۰۹) نیز اثری در دو جلد، خاطره‌نگاری تاریخی و شخصی کلیماست که در آن دوره‌هایی از زندگی‌اش را مرور می‌کند؛ از کودکی و تجربه اردوگاه تا مبارزه در دوران کمونیستی و پس از انقلاب. در این اثر، کلیما هم تجارب تاریخی را بازگو می‌کند و هم تأملات خود را بر آن می‌افزاید: «وظیفه فرد در برابر وجدان خویش چیست و چگونه می‌توان در زمانه‌ای که آرمان‌ها به تراژدی بدل شده‌اند، انسان باقی ماند؟» این کتاب نه تنها خاطره، بلکه مانیفستی است از ادبیاتی پاسخگو به تاریخ.

طنز سیاه انتقادی و سخره‌انگیزی

یک ویژگی بارز در آثار کلیما طنزی است که از دل تضادها و تناقض‌های نظام‌های سرکوب‌گر بیرون می‌آید. او به طنز نمی‌پردازد تا سرکوب را خنثی کند، بلکه بر پوچی سیستم‌ها تأکید می‌کند. طنز و سخره‌انگیزی در آثار او نوعی هوای تازه در شرایط خفه‌کننده سیاسی است. مثلاً در مصاحبه‌ای، کلیما از خاطره‌ای گفته است که مأموران جست‌وجو به خانه‌اش آمدند و همسرش به آنها گفت: «لطفاً کفش‌های‌تان را در بیاورید.» و آنها واقعاً این کار را کردند! او آن هنگام اصطلاح

عشق به ادبیات و نوشتن دیده می‌شود؛ در کنار اینها یکی نوع اصالت فکری و دغدغه‌های سیاسی و اجتماعی هم دیده می‌شود. هر زمان که قصد صحبت مستقیم درباره موضوعی را داشته به سراغ جستارنویسی رفته است، نظیر کاری که در کتاب‌های «قرن دیوانه من» و «روح پراگ» انجام می‌دهد. این دو کتاب مجموعه مقالات او هستند. در اینها به خوبی مرز میان داستان‌نویسی و سیاست را جدا می‌کند. او می‌دانسته چه وقت باید یک موضوع را بهانه خلق یک رمان کند و چه موقعی آن را در قالب یک مقاله ارائه بدهد.

از این جهت در عرصه جهانی با کدام نویسندگان قابل مقایسه است؟

به گمانم شبیه‌ترین نویسنده به کلیما در این مورد خاص کوندرا است و فراتر از مرزهای کشورش نیز می‌توان به ماریو بارگاس یوسا، نویسنده پرویی اشاره کرد. وقتی رمان‌های کلیما را می‌خوانیم هرگز به این فکر نمی‌کنیم که با نویسندگانی سیاسی مواجه هستیم. از سوی دیگر کلیما به تاریخ توجه دارد اما بیشتر از آنکه بخواهد به تاریخ بپردازد به وضعیت انسانی یک ملت توجه دارد. دنیای آنا‌کارس آنتدر کامل خلق شده‌اند که در همه جای دنیا مخاطبان زیادی دارند. کلیما حتی در سخت‌ترین شرایط هم به زندگی و عشق توجه دارد و از همین روی هم هست که کارهای صرفاً عاشقانه نیز نوشته است.

کلیما چه پیام ماندگاری برای مخاطبان آثارش دارد؟

اینکه بدانیم زندگی با همه سختی‌هایش همچنان در جریان است. او با ناامیدکننده شرایط نمی‌شود اما همچنان امید را به آتش زبانش تزریق می‌کند. طی نود و چهار سال زندگی‌اش سختی‌های زیادی را متحمل می‌شود، با وجود این همواره به اینکه دنیا جای بهتری شود امید داشته است، نگاهی که در همه آثارش جریان دارد. او طوفی را می‌کند: «نیازی نیست میان راه‌هایی که پیش‌روی‌مان گذاشته‌اند حتماً یکی را انتخاب کنیم.»



از راست: ایوان کلیما، میلان کوندرا و لودویک واکولیک (نویسنده، روزنامه‌نگار) در چهارمین کنفرانس انجمن نویسندگان چکسلواکی، ۲۷ ژوئن ۱۹۶۷.

برخلاف اغلب نویسندگان بلوک شرق که در دوره جنگ سرد از آن وضعیت فرار می‌کنند و شیفته غرب می‌شوند، کلیما هرگز به غرب تمایل نمی‌شود.

حتی در دهه ۷۰ میلادی به آمریکا دعوت می‌شود ولی بعد از سخنرانی‌اش دوباره برمی‌گردد. آنجا می‌گوید اگر کمونیسم بد است، به این معنا نیست که کاپیتالیسم خوب است

کلیما در ساختار روایی رمان‌های خود بیشتر به فرم کلاسیک وفادار بوده است یا به تجربه‌های روایی نوگرایانه؟

از نظر ساختاری، آثار کلیما بیشتر فرمی کلاسیک دارند. البته در برخی کتاب‌های خود فرم‌های تازه‌ای را تجربه کرده است. یکی از دغدغه‌های اصلی‌اش خود «نوشتن» است و حتی کتابی درباره نوشتن دارد. وقتی مروری بر کتاب‌های کلیما داشته باشیم، در نگاه اول خود را در برابر نویسندگانی می‌بینیم که از مسائل روزمره و ساده سخن می‌گویند که این مسأله نیز به جلب نظر مخاطبان کمک زیادی می‌کند. کتابی با عنوان «شغل‌های طلایی من» دارد که به دوره سخت زندگی‌اش و تجربه مشاغل مختلف تعلق دارد. در آن رمان می‌گوید: «در کنار این مشاغلی که برای زنده ماندن انجام می‌دهم، نوشتن همچنان مهم‌ترین کار زندگی من است.» و تأکید می‌کند: «نوشتن کار من نیست، بلکه یک مأموریت است.» او به دنیا آمده بود تا بنویسد. در آثار کلیما

دوره حیات کلیما به کتاب‌های او می‌شود از بابت وجوه ادبی آثارش هستند یا به خاطر نگاه و فعالیت‌های سیاسی‌اش و اینکه حاضریه ترک مردم‌شناسی می‌شود؟ همه این موارد مهم هستند. ایوان کلیما در همان دوره نیز رمان‌نویس بسیار شاخصی بوده و رمان «عشق و زباله» او یکی از اثر برتر اروپای شرقی است.

این کتاب را با رمان «بار هستی» میلان کوندرا مقایسه و تأکید می‌کنند که نگاه سیاسی غالب بر این دو رمان به هیچ وجه بر چهره ادبی‌شان تأثیر نگذاشته است. کلیما با آنکه جایگاه مهمی برای تجربه خاص زیسته‌اش و از سوی دغدغه‌های سیاسی و اجتماعی خود قائل است اما طوری نمی‌نویسد که رمان‌هایش به بیابندهای سیاسی یا بلندگویی برای بیان عقایدش تبدیل شوند. رمان‌های او به معنای واقعی رمان هستند. منتقدان خارجی، زبان و نثر آثار داستانی‌اش را بسیار شاخص می‌دانند.

جوانی کلیما در دوران سيطرة کمونیسم بر اروپای شرقی سیری می‌شود؛ این دوران چه تأثیر و حضوری در آثارش دارد؟

قبل از ۱۹۶۸ که سال بسیار مهمی است و بهار پراگ نام دارد، یک دولت معتدل‌تر در چکسلواکی روی کار می‌آید. در این دوره اغلب روشنفکران کمونیست و منتقد غرب که با احتیاق کمونیسم هم روبه‌رو هستند همچنان به رفع ایرادها هم امید دارند. هرچند که با دخالت نظامی شوروی، دولت‌های کمونیستی اصلاح‌طلب در چکسلواکی و مجارستان سرکوب می‌شوند. در نتیجه بسیاری از روشنفکران ناامید می‌شوند و اغلب‌شان مهاجرت می‌کنند. اما واتسلاو هاول و ایوان کلیما با وجود زندانی شدن‌شان و سویی سرکوب‌ها و سخت‌گیری‌های متعدد، می‌مانند و حتی تأکید می‌کنند ترجیح‌شان آن است که کنار مردم خود بمانند و بهای سنگینی هم برای آن می‌دهند. از آنجایی که انتشار آثار کلیما متوقف می‌شود، او برای گذران زندگی به اجبار مشاغل دشواری را تجربه می‌کند؛ از رفتگری گرفته تا کارگری ساختمان. همزمان یک گروه زیرزمینی برای انتشار آثار ممنوعه و ارسال آنها به کشورهای دیگر تشکیل می‌دهد.

در نتیجه فعالیت‌های همین گروه است که در همکاری با فلیپ راث، نویسنده آمریکایی، دست به انتشار و توزیع آثار خود و دیگر نویسندگان ممنوع‌القلم چک در کشورهای غربی می‌زند؟

بله ولی بابت این کار در کشور خودش با مشکلی روبه‌رو نمی‌شود.

کلیما موفق به دریافت جایزه فرانکس کافکا از دستان واتسلاو هاول می‌شود؛ توجهی که در



عکس: نیلوال

در گفت و گوی «ایران» با مرتضی اسماعیل کاشی کارگردان تئاتر مطرح شد

زیستن میان نور و تاریکی

گفت و گو

حامد قریب

گروه فرهنگی

تئاتر، برای مرتضی اسماعیل کاشی، نه یک حرفه، نه صرفاً یک هنر که نوعی شیوه زیستن است؛ زیستن در میانه نور و تاریکی، میان صحنه و پشت صحنه، میان امید و فرسودگی. او از همان سال‌های جوانی باور داشت تئاتر فقط روی صحنه رخ نمی‌دهد، بلکه از همان لحظه‌ای آغاز می‌شود که افراد کنار هم جمع می‌شوند، میخ پر چوب می‌کوبند، قلم‌مو به دست می‌گیرند، دکور می‌سازند و سپس روی همان صحنه‌ای می‌ایستند که خودشان ساخته‌اند. این «هم‌زیستی» برای او همچنان زنده است؛ جثونی که در گذر سال‌ها، نه خاموش و نه فرسوده شده است. در روزگاری که بسیاری از اجراها به تجربه‌های کوتاه‌مدت و دکورهای

نکته برجسته نمایش «مفیستوفلس»، حضور هنرمندان جوانی است که بسیاری از آنها در روند کار شما پرورش یافته‌اند. با توجه به سابقه نمایش‌هایی چون «۵۰،۵۰» و «سه خواهر» که در آنها نیز با بازیگران جوان به تجربه‌های متفاوتی دست زده بودید، لطفاً دربارهٔ پروسه شکل‌گیری و تولید این نمایش در شرایط دشوار امروز سال‌هاست در زمینه تدریس بازیگری فعالیت می‌کنم. تجربه نشان داده است آموزش بازیگری زمانی کامل می‌شود که هنرجویان تجربه صحنه‌ای پیدا کنند. به همین دلیل در دوره‌های مختلف، این فرصت را برای آنها ایجاد کرده‌ام. با این حال، واقعیت این است که شرایط کار بسیار سخت‌تر شده؛ زیرا معادلات مدام تغییر می‌کند و همه چیز غیرقابل پیش‌بینی شده است. با این همه کار کردن با این بچه‌ها از ریشه معلمی‌من می‌آید؛ رویکرد همیشه بر اساس مدل کارگاهی بوده است؛ مدلی که در آن هنرجویان، هم آموزش ببینند و هم در پروسه اجرا تجربه کسب کنند. این موضوع برای من همیشه اولویت داشته است. رابطه من با بچه‌ها در ابتدا معلم-شاگردی است، اما از یک مرحله به بعد، رابطه بازیگرو کارگردان شکل می‌گیرد. این موضوع زمان‌بر است و گاهی باعث می‌شود از فعالیت‌های شخصی خود، چه در سینما و چه در تئاتر، عقب بمانم. با این حال، این بخشی از انتخاب و مسیر کاری من است و آن را پذیرفته‌ام.

دلیل دشوار شدن تولید تئاتر را در شرایط کنونی چه می‌دانید؟

شرایط امروز؛ زیرا قبلاً می‌توانستیم با ۴۰ یا ۵۰ نفر طی دو تا سه سال کار کنیم و آنها را برای ورود به اشل حرفه‌ای تئاتر آماده کنیم، اما اکنون این مسیر

بسیار پیچیده‌تر شده است. در این اجرا، بسیاری از بچه‌ها بار اول است که صحنه را تجربه می‌کنند؛ بنابراین آموزش آنها زمان‌بر است. اما در شرایط کنونی تأمین هزینه‌ها بسیار دشوار شده است. برای اجرای این نمایش، مجبور بودیم به شکل خصوصی سرمایه‌گذاری کرده و مدت زمان طولانی با هنرجویان کار کنیم. شرایط به گونه‌ای بود که برای اولین بار در پروسه اجرای این اثر، از مرکز هنرهای نمایشی درخواست حمایت کردم، زیرا واقعاً از پس هزینه‌ها برنمی‌آمدم. پیش‌تر چنین درخواستی نداشتیم و حتی در تولید نمایشی که با کرونا مواجه شد، درخواست حمایتی نکردم و حمایتی هم انجام نشد و تنها یک تماس تلفنی صورت گرفت. اما این بار امید داشتیم چنین گهره بزرگی -حدود ۱۰۰ نفر که ۹۹ درصدشان جوان هستند- دیده شوند، اما متأسفانه حمایتی از ما صورت نگرفت.

واقعاً در شرایط امروز تئاتر، کار کردن با گروهی بزرگ و جوان بسیار چالش‌برانگیز است. سلاطین مخاطبان نیز تغییر کرده است. امروز می‌توان با یک چهره معروف، تمرین محدود و درام ساده‌ای روی صحنه رفت و مخاطب جذب کرد، بدون آنکه زحمتی برای تربیت بازیگر حرفه‌ای کشیده شود.



موقتی فرو کاسته‌اند، از تصمیم گرفته است زمان بگذارد، هجده صاه یا گروهی جوان تمرین کند، دکوری عظیم بسازد و اجرایی روی صحنه ببرد که رنگ و نور و طراحی صحنه در آن همچنان اهمیت دارند. برای او کارگاه آموزشی، تنها جایی برای انتقال فنون بازیگری نیست، بلکه شنبیه یک مدرسه تئاتر است؛ جایی که هر کس می‌تواند همه چیز را تجربه کند؛ از لباس و گریم تا صحنه و نور. اما زیستن در چنین جهانی آسان نیست؛ زیرا هزینه‌ها سرسام‌آور است و حمایت نهادهی در کار نیست و در نهایت شما با گروهی صد نفره، تنها می‌مانید. با این همه، او همچنان ادامه می‌دهد؛ چون برایش «کار نکردن» یعنی پژمردگی و دست کشیدن از خانه اصلی اش؛ تئاتر.

پیرامون چالش‌های تولید نمایش «بررسی آتاتومی و زوایای پیشرفت شغلی آقای بازیگر در شب کریسمس یا مفیستوفلس» که به تازگی دور اول اجراهای خود را در تماشاخانه ایرانشهر به پایان رسانده، با مرتضی اسماعیل کاشی که کارگردانی این اثر را برعهده داشته است، به گفت‌وگو پرداختیم. او همچنان به شور جمعی، هم‌زیستی و لذت خلق، ایمان دارد.

دریافت نکرده‌اید، لطفاً توضیح دهید هزینه‌ها چگونه تأمین شد و کل پروسه تولید چه مدت به طول انجامید؟

کل پروسه از آموزش تا اجرا حدود ۱۸ ماه به طول انجامید. حقیقت این است که کانسیتی که من برای کارهایم در نظر می‌گیرم، اگر امکان اجرای آن وجود نداشته باشد، ترجیح می‌دهم اصلاً کار نکنم. شرایط به گونه‌ای بود که برای اولین بار در پروسه اجرای این اثر، از مرکز هنرهای نمایشی درخواست حمایت کردم، زیرا واقعاً از پس هزینه‌ها برنمی‌آمدم.

پیش‌تر چنین درخواستی نداشتیم و حتی در تولید نمایشی که با کرونا مواجه شد، درخواست حمایتی نکردم و حمایتی هم انجام نشد و تنها یک تماس تلفنی صورت گرفت. اما این بار امید داشتیم چنین گهره بزرگی -حدود ۱۰۰ نفر که ۹۹ درصدشان جوان هستند- دیده شوند، اما متأسفانه حمایتی از ما صورت نگرفت. واقعاً در شرایط امروز تئاتر، کار کردن با گروهی بزرگ و جوان بسیار چالش‌برانگیز است. سلاطین مخاطبان نیز تغییر کرده است. امروز می‌توان با یک چهره معروف، تمرین محدود و درام ساده‌ای روی صحنه رفت و مخاطب جذب کرد، بدون آنکه زحمتی برای تربیت بازیگر حرفه‌ای کشیده شود.

مرتضی اسماعیل کاشی همواره راهی کم‌حاشیه را طی کرده و مصاحبه‌های کمی داشته است. با این حال، چندی پیش با بازی در سریال «جیران»، مورد توجه قرار گرفتید؛ اتفاقی که می‌توانست مسیر بازیگری شما را در تصویر تضمین کند. با وجود این، ترجیح دادید همچنان تئاتر را دنبال کنید.

بنابراین ۱۸ ماه زمان صرف کرده و با جوانانی که علاقه‌مند به هنر هستند، کار کرده‌اید، در حالی که در نسل جدید کمتر شاهد چنین تعهد و زمان‌گذاری برای پروژه‌های تئاتری هستیم. این نگرش به زندگی و زیست تئاتری شما ناشی از



نمی‌توانم فعالیت دیگری انجام دهم. تمرین‌ها از صبح تا ساعت ۹ یا ۹:۳۰ شب ادامه دارد، علاوه بر آن دو تا سه ساعت هم صرف طراحی‌ها، کار روی دکور، نور، صحنه و لباس می‌شود. به این ترتیب، من کاملاً درگیر این فرآیند هستم و واقعاً نمی‌فهمم چطور می‌توان در چند جلسه محدود یک نمایش را آماده اجرا کرد؛ شخصاً هیچ‌گاه این گونه کار نکرده‌ام و بلد نیستم این روش را اجرا کنم.

به نمایش برگردیم. بسیاری از فعالان حوزه تئاتر برای بیان داستان‌هایشان همواره از زبان استعاره استفاده کرده‌اند و در سطح جهانی نیز معمول است که از زبان استعاره برای ایجاد شاعرانگی و عمق در آثار هنری بهره گرفته شود. اما در ایران ما وضعیت متفاوتی وجود دارد. فکر می‌کنید محدودیت‌هایی که بعضاً وجود دارد، باعث خلاق تر شدن کار می‌شود یا برعکس؛ در همین حوزه تئاتر را محدود کرده است؟

حقیقت این است که نمی‌توانم درباره تمام نمایش‌ها و استفاده کلی از زبان استعاره نظر بدهم. زبیر در جریان نحوه شکل‌گیری ایده‌های هر گروه نیستم، تنها می‌توانم درباره نمایش خود صحبت کنم. در این اثر نیز برای مهم است که داستان گروه نمایش را با تمام موانعی که در دوره تاریخی خود تجربه کرده‌اند، روایت کنم؛ اولویت اصلی این اثر، این بوده که مسیر و چالش گروه نمایشی که در داستان به آن اشاره می‌شود، مطرح شود.

کاری که روی صحنه قرار می‌گیرد باید خلق شود و مسیر خودش را طی کند. من کارم را انجام می‌دهم و در نهایت اگر مسأله‌ای پیش آید، به آن فکر می‌کنم. بنابراین نمی‌توانم بگویم که محدودیت‌ها برای من مانع ایجاد کرده‌اند. البته تا حدی موفق‌کم گاهی محدودیت‌ها می‌توانند موقعیت‌هایی خلاقانه ایجاد کنند؛ این پدیده در همه دوره‌های تاریخی نیز رخ داده است. حتی در نمایش حاضر، می‌توان ارجاعاتی به چنین موقعیت‌هایی دید و مشابه آن را در دوران آلمان نازی و دیگر کشورها نیز مشاهده کرد.

ممکن است به دلیل شرایط خاص، وضعیت برای ما کمی متفاوت باشد. یعنی گاهی محدودیت‌ها خلاقیت ایجاد کنند، اما نمی‌توان گفت تمام ایده یک نمایش ناشی از خلاقیت برآمده از میزری است. در نهایت، کلیت داستان این اثر، این است که هنرمندی، راه بیان خود را در کار کردن و خلق اثر هنری می‌بیند.

چه مسیر تاریخی و فرهنگی باعث شده است که جامعه تئاتر به کار کردن یا نکردن فکر کند؟ همان‌طور که پیش‌تر گفتیم، شخصاً می‌توانم کارهای دیگری انجام دهم، اما تئاتر، خانه من است. بنابراین هیچ‌گاه دلیلی برای «کار نکردن» نمی‌بینم و هیچ عاملی مرا قانع نمی‌کند که نباید کار کنم. این حرفه برای من صرفاً شغل نیست؛ اگر کار نکنم، دچار افسردگی و

فرهنگی

پژمردگی می‌شوم.

من آدمی هستم که باید مدام درگیر فعالیت و خلق باشم. اگر روزی بخواهم کاری جایگزین پیدا کنم، فکر می‌کنم دیگر دیر شده باشد. منظورم از این حرف‌ها ارتزاق یا درآمد نیست؛ از نوجوانی وارد این حرفه شده‌ام و علاقه و زندگی من در این حوزه شکل گرفته است. اگر کار نکنم و دیگر متخصصان و هنرمندان نیز تصمیم به فعالیت نداشته باشند، چه کسی کار را ادامه دهد؟ این دغدغه‌ای است که هنگام کارگردانی این نمایش نیز به آن فکر کردم. حتی نقشی که خودم در نمایش بازی می‌کنم، دقیقاً با همین مسأله درگیر است؛ شخصیت داستان، دوستانش را می‌بیند که با مشکلات جدی مواجه‌اند، اما با این حال تصمیم می‌گیرد کار کند و حرفش را روی صحنه بزند. اگر پرسیده‌اید که آیا این موضوع دغدغه ذهنی من بوده و سراسر متنجر به خلق نمایش شده است، پاسخ این است که نه. هیچ‌گاه ایده‌ای شکل نگرفته که «باید کار کنیم یا نکنیم» و سپس براساس آن نمایشی خلق کنیم. فکر می‌کنم اگر این‌گونه باشد، کمی هنر را دست‌کم گرفته‌ایم.

با توجه به این توضیحات چه دغدغه‌ای سبب شد تا این داستان را روی صحنه ببرید؟

مسأله خود تئاتر است. در این نمایش به شکل‌های مختلف به خود تئاتر پرداخته می‌شود؛ به عنوان سرگرمی، به عنوان هنر، به عنوان هنر در خدمت قدرت و... این موارد، همگی در کار وجود دارد. در واقع برایم جذاب است که مستقیم سراغ خود تئاتر بروم. گروه‌هایی بوده‌اند که این کار را کرده و نمایش‌هایی در قالب تئاتر در تئاتر ساخته‌اند. من هم دوست دارم تئاتر می‌کنم. بنابراین نمی‌توانم بگویم که محدودیت‌ها برای من مانع ایجاد کرده‌اند. البته تا حدی موفق‌کم گاهی محدودیت‌ها می‌توانند موقعیت‌هایی خلاقانه ایجاد کنند؛ این پدیده در همه دوره‌های تاریخی نیز رخ داده است. حتی در نمایش حاضر، می‌توان ارجاعاتی به چنین موقعیت‌هایی دید و مشابه آن را در دوران آلمان نازی و دیگر کشورها نیز مشاهده کرد.

با توجه به اینکه در این مدت در عرصه تصویر، کم کار بودید می‌پرسم، آیا نمی‌خواهید دوباره بازیگری در سینما یا سریال‌های نمایش خانگی را ادامه بدهید؟

چند سالی در تئاتر فعال نبودم و حدود هشت سال هیچ نمایشی بازی نکرده بودم. در سال گذشته، فیلمنامه‌های زیادی مطالعه کردم، اما اولاً به دلیل دگربردن با این نمایش از یک سال و نیم پیش، فرصت کافی برای انتخاب پروژه‌های دیگر نداشتیم. از سوی دیگر نیز، شخصیت یا فیلمنامه‌ای پیدا نکردم که آن قدر برایم جذاب باشد که بخواهم بازی کنم. من از تئاتر می‌آیم و برایم مهم است که اگر قرار است در سینما بازی کنم، کاراکتری باشد که اصولاً در سینمای ما کم پیش می‌آید. برایم، هم شخصیت و قصه اهمیت دارد و هم گروهی که قرار است با آنها کار کنم. اگر شرایط مناسب باشد، چه در سینما و چه در نمایش خانگی، قطعاً حضور داشته و بازی خواهم کرد.



شخصاً آتقدی جدی به وضعیت نسل جدید دارم. در واقع یکی از دلایلی که این کار را ادامه می‌دهم، تلاش برای انتقال تجربه است. واقعیت این است که درصد زیادی از این انتقال رخ نمی‌دهد؛ زیرا این نسل تا حدی بذیرش دارد اما نه به طور کامل. با این حال، حتی اگر بتوانم از هر دوره یک یا دو نفر را تجربه‌ها و دانش خودم آشنا کنم، برایم ارزشمند است. اگر بتوانم آفتی که از طریق تئاتر در زندگی خودم یافته‌ام را به آنها نشان دهم تا آنها نیز آفتی خودشان را کشف کنند، برایم جذاب است. دلیل اینکه همچنان این مسیر را انتخاب می‌کنم، همین است.

۳۰ سال پیش، تمام علاقه‌امان این بود که شب اجرای نمایش، به دلیل آماده کردن دکور، به سالن تئاتر برویم و کنار هم باشیم. ما دغدغه فروش یا مسائل اقتصادی نداشتیم. البته این مسأله خود جای بحث و آسیب‌شناسی دارد، چرا که در کشور ما اقتصاد

تئاتر به درستی تعریف نشده است. اما فارغ از این، در دوره‌های دانشجویی با حتی قبل‌تر، زمانی که در مدرسه تئاتر می‌خواندم، علاقه و اشتیاقی وجود داشت که ما را به سمت سالن تئاتر می‌کشاند. کنار هم بودیم، دکور می‌ساختیم، با چکش، میخ و قلم‌مو کار می‌کردیم و از این فرآیند لذت می‌بردیم. چیزی که برایمان جذاب بود، این بود که پس از آن خودمان روی صحنه می‌رفتیم، یعنی آنچه را دوست داشتیم آماده می‌کردیم و با مخاطب به اشتراک می‌گذاشتیم. حتی امروز هم اگر این سبک کار را ادامه می‌دهم، به دلیل همان جذابیت است. ریشه این اتفاق در همان تجربه‌های هم‌زیستی و همکاری گروهی است که در من باقی مانده است. همین موضوع باعث می‌شود زمان طولانی با هنرجویان کار کنم. هفدم این است که تجربه واقعی کار گروهی شکل بگیرد.

اخبار

عیادت مدیرعامل خانه

سینما از جمال شورجه



مدیرعامل خانه سینما به همراه اعضای هیأت مدیره به عیادت جمال شورجه کارگردان سینمای ایران رفتند. اسعدیان در این دیدار با توجه به ویژگی‌های شخصیتی و هنری جمال شورجه گفت: «آقای شورجه از جمله کارگردانان پیشگام سینمای دفاع مقدس و سینمای دینی است که آثار خوبی را در سینما و تلویزیون خلق کرده است. او همیشه میانه‌روی را در پیش می‌گرفت و در شوراهای مختلف به‌رغم اختلاف‌نظرهایی که وجود داشت آنها را در تصمیم‌گیری‌ها وارد نمی‌کرد و همیشه منفعت سینما برایش مهم بود.» *ایرنا*

کنسرت پاییزی «نوشه» در تالار وحدت



کنسرت گروه موسیقی نوشه به سرپرستی نیوشا بریمانی، به همراه پنج خواننده، روز جمعه هجدهم مهر در تالار وحدت برگزار می‌شود. پرچمپر خسروی، دنیا حاجی‌وندی، بکاه بزرگ، لیدیا گرم‌نزا و مبینا عسکری خوانندگان گروه نوشه در این برنامه هستند. همچنین نیوشا بریمانی نوازنده کمانچه، رخساره رستمنی (عود)، نیلوفر ابراهیمی (فلوت)، دنیا فتحی (پیانو)، شیرین واعظی (درام)، آذین ملک‌زاده (گیتاراس)، خزر چاکلو (کیبورد) و بک وکال، سحر دزواربی (گیتار و بک وکال)، سحر صالحی (گیتار)، سوندگ‌هاگتف (پراکاشن) و ستاره هاتف (پراکاشن) و صد ف‌هاتف (ساکسوفون) نوازندگان گروه نوشه را در این کنسرت تشکیل می‌دهند. *ایران*

اکران نیم‌بهای انیمیشن سینمایی «یوز» همزمان با روز جهانی کودک



انیمیشن سینمایی «یوز»، محصول مشترک مرکز انیمیشن سورره و ویستامدیا، به نویسندگی و کارگردانی رضا ارزنکی و تهیه‌کنندگی احسان کاوه، چهارشنبه ۱۶ مهرهمزمان با روز جهانی کودک به صورت نیم‌بها در سینماها نمایش داده می‌شود. انیمیشن سینمایی «یوز» که چالش‌های یک یوز ایرانی را برای بازگشت به اصالت خود به‌تصویری کشد در فضای ماجراجویانه و کمدی با تکنیک سه‌بعدی ساخته شده است. *مه‌پر*

«الگوریتم»

در شبکه سه



سریال اکشن پلیسی «الگوریتم» به کارگردانی بیژن میرباقری از اواسط مهرماه به روی آنتن شبکه سه می‌رود. «الگوریتم» با طراحی و تهیه‌کنندگی ابوالفضل صفری و براساس فیلمنامه‌ای مشترک از خودش و آرش قادری جلوی دوربین رفته است. مهدی زمین‌پرداز، پیام احمدی‌نیا، بهار قاسمی، بهادر زمانی، سعید شریف و امیرکاوه آهنین‌جان و محسن قصابیان همراه با فرشید زارعی فرد، محمد رسول صفری، علی جلالی، سیاوش گرجستانی، مهدی علی‌پور، سانای امیرآبادی، سلمان فرخنده، کامران کاظمی، هدیه رضایی، سعید نبوی، نیکو آزاد، مریم‌ماهور، صالح صامی و سام نوری در این سریال به ایفای نقش پرداخته‌اند. *پ‌رنا*



ایران

• صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر مسئول:
صادق حسین جابری انصاری

• سردبیر:
هادی خسروشاهین

• مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران

• رئیس هیأت مدیره: صادق حسین جابری انصاری

• مدیرعامل: علی متقیان

• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۴۰۷۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
• پیامک: ۳۰۰۴۵۱۲۱۳ • روابط عمومی: صندوق پستی: ۱۵۸۷۵۰۵۳۸۸
• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه‌های همشهری
• سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

• امام علی علیه السلام:

با اظهار دوستی، محبت استوار می‌گردد

غزال حکم، حدیث ۴۳۴۱



اجرای محمد معتمدی در پروژه «خنیاشهر»

امیرحسین سمیعی مدیر پروژه موسیقایی «خنیاشهر» از پیوستن محمد معتمدی خواننده موسیقی ایرانی به این رویداد هنری خبر داد. معتمدی به دلیل تجربیات متعددی که در حوزه موسیقی مقامی داشته، در بخش مربوط به موسیقی خراسان، همراه خنیاشهر است. «خنیاشهر» تلاش می‌کند تا موسیقی نواحی مختلف ایران را در کنار موسیقی امروز قرار دهد. در این مسیر، نغمه‌های موسیقی نواحی با تنظیمی به روز و با صدای خوانندگانی توانمند به گوش مخاطبان می‌رسد. / **تسنیم**



رونمایی از کتاب جدید نقاشی‌های آیدین آغداشلو

نشست رونمایی کتاب «درباره نقاشی‌های آیدین آغداشلو از مشق کردن تا از آن خودسازی» نوشته نورا گودری پنجشنبه ۱۷ مهر در فرهنگسرای نیاوران برگزار می‌شود. نویسنده دراین کتاب به موضوع از آن خودسازی نقاش با تمرکز بر نقاشی‌های آیدین آغداشلو از نقاشی‌های دوره رنسانس و مینیاتور پرداخته است. هم‌زمان با رونمایی کتاب، آیدین آغداشلو، علیرضا سمیع آذر، کیانوش معتقدی و نورا گودری نویسنده درباره این کتاب سخن خواهند گفت. / **اینا**



انتشار روایت‌های موسیقایی مجید انتظامی پس از ۴ دهه

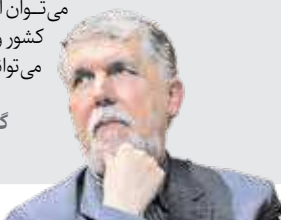
آلبوم‌های موسیقی متن فیلم‌های «شب بیست و نهم»، «سنانور» و «نغمه» به آهنگسازی مجید انتظامی به صورت دیجیتال منتشر شدند. «شب بیست و نهم» به نویسندگی حمید رخشانی و ابراهیم منصوری پس از ۳۷ سال منتشر شده، آلبوم موسیقی متن «سنانور» به نویسندگی فریدون جیرانی و کارگردانی مهدی صباغ‌زاده پس از ۴۲ سال منتشر شده و همچنین آلبوم موسیقی متن «نغمه» به نویسندگی و کارگردانی ابوالقاسم طالبی و تهیه‌کنندگی علیرضا سبط‌احمدی و آهنگسازی مجید انتظامی پس از ۲۴ سال منتشر شده است. / **ایرنا**



فرهنگ نیروی محرکه رشد کشورهاست

فرهنگ نیروی محرکه رشد کشورهاست و ایران و یونان کشورهایی با فرهنگ و تمدن کهن محسوب می‌شوند که روابطشان باید بیش از پیش گسترش پیدا کند. در حوزه سینما کارهای زیادی می‌توانیم، انجام دهیم که یادداشت تفاهم سینمایی می‌تواند مقدمه‌ساز این مسیر باشد. نکته دیگر بخش ادبیات است، همه ما به ادبیات جذاب ایران و یونان تعلق خاطر داشته و داریم؛ حوزه ادبیات معاصر و کلاسیک یکی از ظرفیت‌هایی است که می‌توانیم از آن بهره بیشتری ببریم و همچنین نشست‌های مشترک شعر و نقد ادبی آثار دو کشور می‌تواند جذاب باشد. ایران و یونان باستان نقاط تلاقی زیادی دارند و پژوهش‌های مشترک به‌درک بهتر یکدیگر کمک می‌کند؛ در این زمینه کارهای متنوعی می‌توان انجام داد که انعقاد تفاهمنامه بین دانشگاه‌های دو کشور و انتشار نشریه مشترک ایران‌شناسان و یونان‌شناسان می‌تواند از جمله آنها باشد.

گزیده‌ای از دیدار سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با لیندا مندونی وزیر فرهنگ و امور ورزش یونان



سومین جشنواره آهنگسازی «روح‌الله خالقی» برگزار می‌شود

حرکتی نوپا در مسیر اعتلای ملی موسیقی

گزارش

نداسجانی

گروه فرهنگی

او «تلاش برگزارکنندگان معرفی آثار هنرمندان پیشگام موسیقی کشور از جمله روح‌الله خالقی توسط نسل جدید موسیقی است.»

افزوده شدن بخش پژوهش در آثار روح‌الله خالقی

عزیزی در نشست خبری سومین دوره جایزه و جشنواره «روح‌الله خالقی» که روز گذشته در سالن همایش دفتر موسیقی برگزار شد، بیان کرد: «آنچه در دوره‌های گذشته جشنواره برگزار شد دربرگیرنده کستره جمعیتی دانشجویان درحوزه ملی بود؛ مسیری که روند برگزاری جشنواره را به فصل تازه‌ای وارد کرد. البته در دوره سوم سعی مان براین بود با اتکا به دوره‌های گذشته فضای

منسجم‌تری را برای این رویداد هنری فراهم کنیم اما ماجرای جنگ ۱۲روزه روند کارهای ما را متوقف کرد، اگرچه پس از ماجرای جنگ نوعی برنامه‌ریزی کردیم تا اندیشه «آهنگسازی موسیقی معاصر ایرانی» و «موسیقی گله‌ا» در دوره سوم شکل پرزگ‌تری به خود بگیرد. در این دوره علاوه بر برگزاری بخش‌های مختلف حوزه آهنگسازی (باکلام و بی‌کلام) و آثاری با الهام از ادبیات هم راه‌اندازی شده تا مسیری برای پردازش بیشتر به آثار استاد روح‌الله خالقی و تفکرات آهنگسازی این به گفته او «در این دوره از جشنواره محدودیتی برای گروه سنی وجود

ندارد اما در صورتی که هیأت داوران صلاح بدانند، سن شرکت‌کننده اعلام می‌شود تا در جلسه داور، آثار براساس محدوده‌های سنی مشخص مورد ارزیابی قرار گیرند. درغیراین صورت، تمرکز داور کاملاً بر خود اثر و آهنگسازی آن خواهد بود.»

عزیزی در ادامه صحبت‌هایش به جایزه جشنواره اشاره و اظهار کرد: «برگزیدگان جشنواره، علاوه بر دریافت جوایز، پارتیتور آثارشان هم در یک کتاب چاپ خواهد شد. درواقع باید بگوییم در موسیقی ایرانی با کمبود پارتیتورهای چاپ شده روبه‌رو هستیم و حتی دسترسی به آثار بسیاری از اساتید بزرگ نیز بسیار دشوار شده است. این تولید

نوشتاری به‌وسیله ارکستر خالقی و ارکستر ملی انجام می‌شود و احتمالاً در جشنواره موسیقی فجر امسال، آثار برگزیده نیز توسط این ارکسترها اجرا خواهند شد.»

توجه به موضوع پارتیتورنویسی در یک رویداد هنری

کیوان ساکت، عضو هیأت داوران سومین جشنواره و جایزه «روح‌الله خالقی» نیز در این نشست خبری گفت: «شاید اندک‌شمار هنرمندانی در عرصه موسیقی باشند که نظر هنرمندان معاصر درباره آنها یکسان باشد. عزیزی در ادامه صحبت‌هایش به جایزه جشنواره اشاره و اظهار کرد: «برگزیدگان جشنواره، علاوه بر دریافت جوایز، پارتیتور آثارشان هم در یک کتاب چاپ خواهد شد. درواقع باید بگوییم در موسیقی ایرانی با کمبود پارتیتورهای چاپ شده روبه‌رو هستیم و حتی دسترسی به آثار بسیاری از اساتید بزرگ نیز بسیار دشوار شده است. این تولید

نوشتاری به‌وسیله ارکستر خالقی و ارکستر ملی انجام می‌شود و احتمالاً در جشنواره موسیقی فجر امسال، آثار برگزیده نیز توسط این ارکسترها اجرا خواهند شد.»

فرآیندی که تلاش شده تا با نگاهی دوباره به معایب و محاسن دوره گذشته روند رو به ارتقای داشته باشد.»

این آهنگساز و نوازنده نام‌آشنای موسیقی ایران به موضوع پارتیتورنویسی اشاره و بیان کرد: «در اغلب جشنواره‌های آهنگسازی، هرگز از هنرمندان «پارتیتور» نمی‌خواستند اما بسیار خوشحالم که در این جشنواره به «پارتیتورنویسی» توجه بسیاری شده و اندیشه مسیر و سیاست بسیار درستی است که می‌بایست در دیگر جشنواره‌های موسیقایی کشور هم مورد توجه قرار بگیرد.»

محمدرضا فیاض از مشاوران این دوره از جشنواره هم در این نشست اظهار کرد: «امیدوارم در کنار توجهی که به آهنگسازی و اجرا در این جشنواره صورت می‌گیرد فرصتی هم برای شناخت هنرمندانی چون روح‌الله خالقی به عنوان پیشگامان

حوزه موسیقی فراهم شود. آنچه باید برای روح‌الله خالقی به کار برد بی‌تردید نشأت گرفته از وجود هنرمندی میهن‌دوست است که نهایت تلاش و احساس مسئولیت خود را به فرهنگ و هنراین سرزمین نشان داد و اتفاقاً همین احساس مسئولیت بود که باعث شد اثر ماندگاری به نام «ای ایران» ساخته شود.»

علی اکبر قربانی از دیگر اعضای هیأت داوران سومین جشنواره «روح‌الله خالقی» هم در چمالاتی گفت: «همواره در حوزه آهنگسازی کم کار بوده‌ایم اما در حوزه «پارتیتورنویسی» هنرمندان بسیار ارزشمندی هستند که در این عرصه فعالیت‌های بی‌شماری انجام داده‌اند. منتها مشکل این است که چنین آثاری ارزشگذاری نمی‌شوند. موضوعی که در مسیر جشنواره «روح‌الله خالقی» هم به آن توجه داشتیم و داریم.»

چراغی برای نسل آینده موسیقی ایران

کیوان ساکت درگفت‌وگو با «ایران» درباره اثرگذاری این جشنواره در پرورش نسل امروز بیان کرد: «خداهدایی مانند «جشنواره آهنگسازی روح‌الله خالقی» جوانان را وادارمی‌کند به اساتید گذشته و هنرمندان پیشین بیندیشند و آثار و زندگی آنها را مطالعه کنند و این موضوع بسیار مهمی است، چراکه با توجه به تغییرات و دگرگونی‌های جامعه که به سرعت هم رخ می‌دهد این اتفاق می‌تواند چراغی باشد برای نسل آینده موسیقی ایران. اگرچه برخی از آموزش‌های ما متأسفانه براین بوده است که ارتباط نسل معاصر را با نسل پیش قطع کند، اما برگزاری چنین رویدادهایی این ارتباطات را پررنگ‌تر خواهد کرد. او درباره زنده نگه داشتن آثار بزرگان موسیقی در برگزاری چنین فستیوال‌هایی اظهارکرد: «همسوسدن هرگونه آثار هنری با حقیقت زیبایی‌شناسی همواره ماندگار خواهد ماند، مانند شاهنامه فردوسی یا اشعار حافظ و مولانا که در دوران‌های بسیار قبل نوشته شد اما همچنان بعد از سال‌ها ماندگار است، بنابراین بار دیگر تأکید می‌کنم اگر آثار هنری به حقیقت زیبایی‌شناسی آمیخته شوند راه خود را پیدا خواهند کرد و ماندگار خواهند شد.»



از این رو، میراث سپهری نه‌فقط زیبایی‌شناسی، بلکه نوعی سیاست فرهنگی است؛ ایجاد پلی میان نخبگان ادبی و مخاطب عام.

ماندگاری ادبی سپهری؛ نوآوری‌ها و تأثیرات

سهراب سپهری، زبان فارسی را به سوی «شفافیت تصویری» و «سکوت میان کلمات» سوق داد. در حالی که بسیاری از شاعران معاصر به زبان‌های پرطمطراق یا پیچیده روی آورده بودند، سپهری با ساختار نحوی ساده و واژگان روزمره، افقی تازه کشود. تصاویر شعری سپهری تلفیقی از چشم‌اندازهای طبیعی ایران و تأملات شرقی بود. این ترکیب بینافرهنگی، میراثی است که بعدها در شعر و هنر ایران اثر گذاشت. بسیاری از نقاشان و سینماگران از تصویرسازی‌های او الهام گرفتند.

از دهه ۱۳۶۰ به بعد، بسیاری از شاعران نوگرا از زبان و نگاه سپهری تأثیر گرفتند. شعر مینیمالیستی، گرایش به طبیعت و تلفیق با معنویت، میراث مستقیم اوست.

سپهری توانست با مخاطب ایرانی دهه‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۷۰ ارتباطی خاص برقرار کند؛ گرچه با ورود به دهه ۱۳۸۰ گرایش به شعر سپهری به‌تدریج رو به افول رفت. جامعه‌ای که میان سنت و مدرنیته، میان سیاست و زندگی روزمره، گرفتار بود، در شعر او آرامشی متفاوت می‌یافت. در این معنا، سپهری را می‌توان صدای ناخودآگاه فرهنگی ایران آن دوره دانست؛ نیاز به سکوت، بازگشت به طبیعت، و معنویت بی‌واسطه.

سپهری و فرهنگ جهانی

شعر سپهری تنها در چهارچوب ملی محدود نماند. ترجمه آثار او به زبان‌های اروپایی و آسیایی، نوعی گفت‌وگوی بینافرهنگی را ممکن ساخت. جهان غرب، سپهری را به عنوان شاعری شرقی با گرایش‌های ذن و بودیستی خواند؛ اما برای مخاطب ایرانی، او پلی میان سنت عرفانی و دنیای مدرن بود.

عمر وفا می‌کرد، سهراب سپهری امروز ۹۷ ساله می‌شد

نقاشی شعر زندگی روی بوم و کاغذ

یادداشت

سپهری به‌منابه متنی چندلایه

هر متن ادبی محصول گفتمان‌های متکثر فرهنگی است. شعر سپهری نیز در پیوند با سه حوزه مهم قابل خوانش است:

الف) طبیعت به‌منابه گفتمان فرهنگی

طبیعت در شعر سپهری فقط پس‌زمینه نیست، بلکه به‌صورت گفتمانی مستقل حضور دارد. او طبیعت را با سطح «منظر» به سطح «زبان» ارتقا می‌دهد. در فرهنگی که مدرنیسم‌سین شهوری و صنعتی، فاصله انسان و محیط را افزایش داده بود، سپهری با زبان شعر نوعی «بازپیوند با طبیعت» را پیشنهاد کرد. در این معنا، طبیعت در شعر او حامل نوعی انتقاد فرهنگی از جهان مدرن است؛ اعتراضی بی‌صدا، شاعرانه و مبتنی بر آرامش.

ب) معنویت شرقی و جهانی

سپهری متأثر از عرفان ایرانی، بودیسم، ذن و حکمت شرقی است. او میراث عرفانی را نه در قالب سنتی، بلکه در شکل مدرن آن بازآفرینی می‌کند. این کار، نوعی ترجمه فرهنگی است؛ پیوند عرفان کهن با نیازهای انسان مدرن.

سپهری متأثر از عرفان ایرانی، بودیسم، ذن و حکمت شرقی است. او میراث عرفانی را نه در قالب سنتی، بلکه در شکل مدرن آن بازآفرینی می‌کند. این کار، نوعی ترجمه فرهنگی است؛ پیوند عرفان کهن با نیازهای انسان مدرن.

زیبایی‌شناسی سپهری

شعر سپهری بر سه اصل استوار است: سادگی، شفافیت و موسیقی درونی. این ویژگی‌ها، نشانگر «مقاومت در برابر پیچیدگی و خشنودی زبان مدرن» است. سادگی زبانی او به معنای تقلیل نیست؛ بلکه شکلی از دموکراتیزه‌کردن زبان شعر است؛ شعر او به‌سادگی درک می‌شود، اما آیه‌های عمیق معنایی دارد.

شعر سهراب سپهری (۱۳۰۷-۱۳۹۹) نه‌تنها در میان شاعران نوپرداز جایگاهی ویژه دارد، بلکه نمونه‌ای است از چگونگی پیوند ادبیات با نیازهای فرهنگی-اجتماعی. سپهری را غالباً شاعر «طبیعت»، «معنویت» و «سکوت» خوانده‌اند، اما خوانش آثار او تنها از منظر زیبایی‌شناسی یا تجربه فردی کافی نیست. شعر سپهری به‌عنوان متنی میانجی میان سنت و مدرنیته، میان فرهنگ ایرانی و تجربه جهانی، و میان امر فردی و امر جمعی قرار می‌گیرد. در این معنا، شعر او بازتابی از تحولات فرهنگی ایران در نیمه دوم سده بیستم است.

سهراب سپهری بیش از آنکه صرفاً یک شاعر طبیعت باشد، متفکری بود که شعر را به میانجی تجربه‌های معنوی، طبیعت‌گرایانه و جهانی بدل ساخت. ایجاد زبانی ساده و شفاف در شعر نو، تلفیق عرفان ایرانی با معنویت شرقی و جهانی، نقد آرام و غیرمستقیم مدرنیته و خشونت زبان معاصر، و آفرینش پلی میان فرهنگ ایرانی و تجربه جهانی را می‌توان از جمله میراث فرهنگی و ادبی شعرا و برشمرد.

جایگاه سپهری در تاریخ شعر معاصر ایران

شعر نو فارسی از نیمایوشیج آغاز شد و با شاعران پس از او به شاخه‌های گوناگون تقسیم گردید. در این میان، سهراب سپهری با «هشت‌کتاب» توانست سبکی متمایز بیافریند. اگر شامولوبه زبانی اجتماعی گرایش داشت و فروغ به بیان تجربه‌ای زبانه در شناخت زندگی روی آورد، سپهری راه دیگری را پیمود: او به شعر «جهان‌ساده»، «بی‌واسطگی تجربه» و «نگاه کودگانه» پرداخت. این انتخاب، صرفاً زیبایی‌شناسانه نبود، بلکه به نیاز فرهنگی جامعه‌ای برمی‌گشت که پس از دهه ۱۳۲۰ درگیر بحران‌های سیاسی، ایدئولوژیک و اجتماعی شده بود. سپهری با کنار زدن صدهای پرخاشگر، راهی دیگر» کشود: راه رجوع به طبیعت و درون انسان.